



• درسنامه های جامع با موشکافی و تحلیل کامل متن کتاب درسی

• بیش از ۳۳۸۰ سؤال متنوع امتحانی

خلاصه کپسولی



۱۸ کاربرگ امتحانی



به نام خدای مهربان



● برای دریافت
امتحان نهایی اخیر
این کد رو اسکن کن.



مقدمه

برای تشریحی شفاف شدن کتاب فلسفه دوازدهم چه کارایی باید کرد؟ همیشه همین‌جوری کتاب رو باز کرد و خوند و توقع به نتیجه خوب داشت. باید ...

● اول بدونی اون درس رو چطوری بخونی. اون درس چقدر بارم داره. چقدر توو امتحان ترم اول و چقدر توو امتحان ترم دوم اهمیت داره. کدوم قسمتاش مهم‌تره و کدوم قسمتاش کمتر اهمیت داره؛ یعنی قبل از خوندن هر درس به یه **مشاوره** درست و حسابی نیاز داری. به همین خاطر، هر درس با یه مشاوره کاربردی شروع میشه که توو اون مباحثی که بیشترین شانس طراحی سؤال رو دارن، مشخص شده. درباره بارم اون درس توو امتحانا و اینکه چجوری باید اون درس رو بخونی، کلی مشاوره کاربردی داریم.

● بعد باید بری درس رو بخونی، ولی نه همین‌جوری؛ از روی یه **درسنامه طبقه‌بندی‌شده خوب** که هم، همه نکات رو آورده باشه و نکته‌ای جا نمونده باشه، هم همه متن کتاب درسی رو طبقه‌بندی کرده باشه؛ طوری که بتونی با جدول و نمودار اونا رو به ذهن بسپری و هم اینکه مطالبی رو که کتاب درسی مبهم توضیح داده، مثل کریستال برات شفاف کرده باشه. برای همین درسنامه‌های این کتاب توو از هر درسنامه دیگه‌ای برای امتحان نهایی بی‌نیاز می‌کنه چون پر از **نکته نهایی** و جدول و نموداره.

● بعدش باید بری سراغ سؤال؛ **سؤالاتی که همه متن و مفهوم کتاب درسی رو پوشش بده**؛ یعنی باید از همه متن کتاب درسی، همه مدل سؤال‌هایی رو که ممکنه طراحی بشه، با **پاسخ تشریحی درست و حسابی و استاندارد** بخونی؛ جوری که هیچ مطلبی نباشه که ازش سؤال طرح نشده باشه؛ حالا آیا درسته که همین‌طوری یه عالمه سؤال رو پشت سر هم بریزیم توو کتاب؟ قطعاً نه! برای همین هر درس بر اساس طرح درس استاندارد، به چند بخش تقسیم شده و زیر هر بخش هم مشخص شده که این بخش مربوط به کدوم تیتروهای درسه که راحت‌تر مطالب رو پیدا کنی. حالا توو هر بخش چه اتفاقی افتاده؟

هر بخش از انواع مدل‌هایی که تا حالا توو امتحانای نهایی سؤال طرح شده و حتی مواردی که احتمال داره امسال اضافه بشه، سؤال طرح شده؛ یعنی امکان نداره سؤالاتی توو امتحان نهایی طرح بشه و نمونه‌اش رو توو کتاب پرسؤال ندیده باشی. این‌جوری یعنی قراره با آمادگی کامل بری سر جلسه امتحان.

● یه سری از سؤالاتی هر بخش رو اسمشون رو گذاشتم **سؤالات بیست‌ساز** که با علامت **+۲۰** مشخص شدن، مطمئن باش اگه این سؤال را بتونی جواب بدی تسلط خوبی روی اون درس داری.

● آخر هر درس هم می‌رسی به سؤالاتی **وقت نهایی** که هر سؤالی که از امتحان نهایی‌های قبلی از اون درس اومده رو می‌تونی ببینی. این‌جوری می‌فهمی اون درس چقدر توو سالهای گذشته مهم بوده.

● بعد از مطالعه درسنامه‌های خفن و بررسی همه سؤالاتی درس به درس، نوبت این رسیده که خودت رو بسنجی و فضای امتحانی رو برای خودت شبیه‌سازی کنی. برای همین کلی سؤال امتحانی بر اساس بارم‌بندی استاندارد امتحانات نهایی اینجا هست که متوجه بشی با خودت چند چندی. برای همین **کاربرگ امتحانی** داریم که هم برای هر درس و هم به‌صورت جامع و مطابق نهایی خودت رو توو فضای آزمون بسنجی.

آخر سر هم باید جمع‌بندی کنی و خوب مطالب رو به ذهنت بسپری. روش جمع‌بندی توو این کتاب اینه که همه متن کتاب درسی رو با جای خالی‌های مهم چند بار مرور کنی (مثلاً ۳ بار) که مطمئن بشی با این کار عمراً مطلبی از ذهنت بیرون بپره و سر جلسه امتحان یادت نیاد. این روش بهترین و استانداردترین روش به خاطر سپردن مطالبه که توضیحش رو توو قسمت cloze کتاب می‌تونی ببینی. برای همین **دفترچه خلاصه کپسولی** رو طراحی کردیم. ضمناً توو این دفترچه یه جاهایی هایلایت شده، اینجاها قبلاً ازشون سؤال امتحان نهایی طرح شده برای همین بیشتر بهشون مسلط باش. همه این‌ها کنار هم میشه **بیست‌پک** فلسفه ۲، که باهاش فلسفه ۲ شفاف میشه مثل کریستال.

Crystal Clear

Completely transparent and uncubded

Easily understood.

فهرست

درس اول: هستی و چیستی



درسنامه	۶
سؤالات امتحانی	۹
پاسخنامه	۱۲۲

درس دوم: جهان ممکنات



درسنامه	۱۴
سؤالات امتحانی	۱۶
پاسخنامه	۱۲۴

درس سوم: جهان علی و معلولی



درسنامه	۲۱
سؤالات امتحانی	۲۴
پاسخنامه	۱۲۷

درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟



درسنامه	۳۱
سؤالات امتحانی	۳۳
پاسخنامه	۱۳۱

درس پنجم: خدا در فلسفه (۱)



درسنامه	۳۷
سؤالات امتحانی	۴۰
پاسخنامه	۱۳۳

درس ششم: خدا در فلسفه (۲)



درسنامه	۴۷
سؤالات امتحانی	۵۰
پاسخنامه	۱۳۷

درس هفتم: عقل در فلسفه (۱)



درسنامه	۵۷
سؤالات امتحانی	۶۱
پاسخنامه	۱۴۱

درس هشتم: عقل در فلسفه (۲)



درسنامه	۶۸
سؤالات امتحانی	۷۱
پاسخنامه	۱۴۵

درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام



درسنامه	۷۸
سؤالات امتحانی	۸۱
پاسخنامه	۱۵۰

درس دهم: دوره میانی



درسنامه	۸۷
سؤالات امتحانی	۹۰
پاسخنامه	۱۵۴

درس یازدهم: دوران متأخر



درسنامه	۹۹
سؤالات امتحانی	۱۰۲
پاسخنامه	۱۵۹

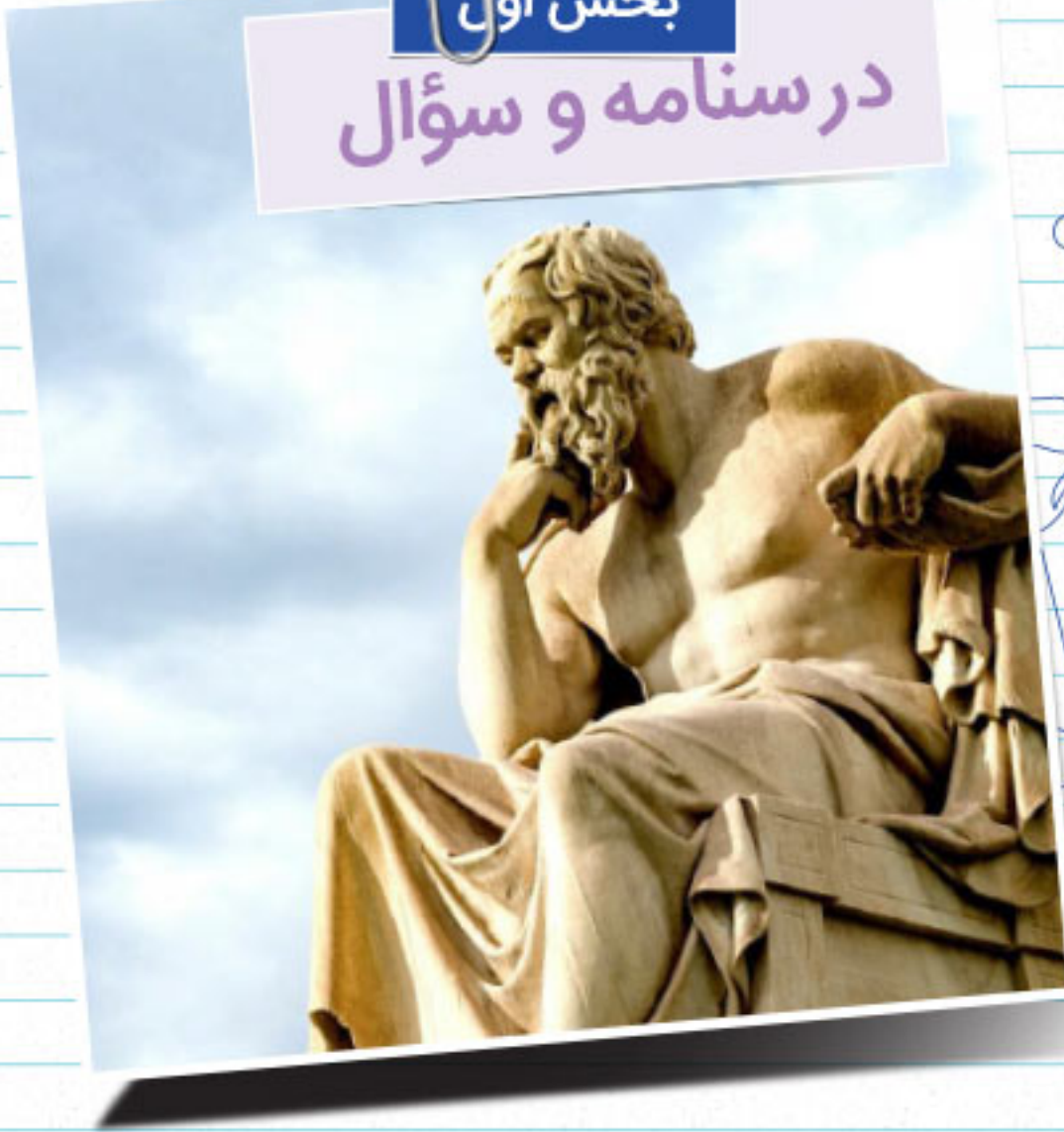
درس دوازدهم: حکمت معاصر



درسنامه	۱۱۱
سؤالات امتحانی	۱۱۴
پاسخنامه	۱۶۴

بخش اول

درسنامه و سؤال



هستی و چیستی

مشاوره: این درس از فلسفه دوازدهم درس خیلی مهمیه. از این جهت که هم مباحث مهمی رو تووش یاد می‌گیری — که از قضا به مقداری هم سختن — و هم با درس‌های دیگه ارتباط داره. مثلاً با درس ۶ خدا در فلسفه ۲ و درس ۱۱ دوران متأخر که فلسفه ملاصدرا رو قراره تووش یاد بگیری. از طرفی چیزایی هم که توو این درس یاد می‌گیری به جورایی پایه‌ای و اصلی هستن. پس خوب یادش بگیر.

اگر بخوام اهداف و اهمیت هرکدوم از اهداف این درس رو بگم، می‌تونم توو ۲ هدف خلاصه‌اش کنم:

- ۱- توضیح اینکه چرا اصل واقعیت مستقل از ذهن و اصل امکان معرفت مقدم بر اصل مغایرت وجود و ماهیت هستند.
- ۲- توضیح اصل مغایرت وجود و ماهیت
- ۳- استدلال برای مغایرت وجود و ماهیت
- ۴- تشخیص نوع حمل در قضایا براساس نیازمندی به دلیل
- ۵- توضیح حمل وجود بر ماهیت با ذکر مثال
- ۶- جایگاه بحث مغایرت وجود و ماهیت در تاریخ فلسفه
- ۷- بیان عواملی که سبب ارتباط مجدد متفکران اروپایی با فلسفه ارسطو شدند.

هستی (وجود)

موضوع دانش فلسفه: در فلسفه، هر مسئله‌ای مطرح شود، در نهایت به مسئله «وجود» می‌رسیم یا به عبارت دیگر «وجود» موضوع فلسفه است و هر مسئله‌ای که در فلسفه مطرح می‌شود، حول محور «وجود» است.

تعریف وجود: وجود به‌عنوان عام‌ترین و بدیهی‌ترین مفهوم، بی‌نیاز از تعریف است.

در منطق خواندیم که مفاهیم بدیهی از تعریف بی‌نیاز هستند و چنانچه بخواهیم آن‌ها را تعریف کنیم، معمولاً گرفتار تعریف دُوری می‌شویم. وجود عام‌ترین و بدیهی‌ترین مفهوم است: زیرا همه انسان‌ها روزانه هزاران بار با آن مواجه هستند. (اینکه امروز کلاس دارید یا نه، اینکه کسی زنگ خانه را می‌زند، اینکه پست‌های اینستاگرامتان لایک خورده یا نه و اینکه امروز تولد شماست، همه مصادیق وجود هستند.) پس مفهوم وجود برای همه انسان‌ها امری بدیهی است.

چیستی (ماهیت)

در منطق خواندیم که تعریف مفهومی برای بیان چیستی یک مفهوم ارائه می‌شود و در پاسخ سؤال «این چیست؟» می‌آید.

مثلاً کتاب، لیوان، صندلی، انسان و... همگی در پاسخ به سؤال «این چیست؟» می‌آیند بنابراین اشاره به ماهیت یک شیء دارند.

تعریف ماهیت: به مفاهیمی که با کنار هم قرار گرفتن، مفهوم دیگری را می‌سازند و چیستی آن مفهوم را بیان می‌کنند، ماهیت آن مفهوم می‌گویند. مثلاً وقتی دو مفهوم شکل و سه‌ضلعی کنار هم قرار می‌گیرند، مفهوم جدیدی به نام مثلث را می‌سازند.

حال که با مفهوم هستی و چیستی آشنا شدیم، لازم است با ارتباط و نسبت این دو مفهوم نیز آشنا شویم. تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی بسیار مهم است زیرا:

۱- از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌هاست.

۲- معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

نکته نهایی: منظور از نسبت بین وجود و ماهیت در اینجا نسبت‌های چهارگانه (تساوی - تباین - مطلق - من‌وجه) نیست، بلکه منظور نحوه ارتباط آن‌ها در ذهن و واقعیت است.

شناخت نسبت میان دو مفهوم هستی و چیستی، نیازمند قدم‌های چهارگانه است.

قدم اول: شناخت وجود

در اطراف ما (جهان خارج از ذهن یا واقعیت) چیزهایی «وجود دارد» که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم (پس اینکه از چیزی استفاده می‌کنیم نشانه وجود آن چیز است).

ما مطمئنیم جهان خارج از ذهن ما، زاده توهّم و خیالات ذهنی ما نیست، بلکه واقعاً وجود دارد — زیرا از آن استفاده می‌کنیم. (به این می‌گوییم اصل واقعیت مستقل از ذهن که برخی از سوفیست‌ها اون رو انکار می‌کنن.)

نکته: مستقل از ذهن یعنی چه ما باشیم چه نباشیم و چه جهان را بشناسیم چه نشناسیم، چیزهایی واقعی هستند و وابستگی به ذهن ما ندارند برخلاف نظر پروتاگوراس که می‌گفت هر چیزی که ذهن ما ادراک کند، واقعیت است.

همچنین ما توانایی تشخیص امور غیرواقعی و خیال را نیز داریم: مثلاً می‌دانیم دیو و سراب غیرواقعی و گوریل و آب واقعی هستند.



نتیجه‌گیری

- ۱ ما وجود داریم.
- ۲ واقعیت مستقل از ذهن ما هم وجود دارد.
- ۳ ما توانایی تشخیص واقعیت از غیرواقعیت را داریم.

قدم دوم: شناخت ماهیت

زمانی که انسان دربارهٔ چیزی سؤال «این / آن چیست؟» را می‌پرسد، با ضمیر اشاره «این» و «آن» نشان می‌دهد که چیزی هست: چیزی هست یعنی: در خارج از ذهن انسان و عالم واقعیت وجود دارد.

البته انسان می‌تواند از ماهیت امور غیر موجود هم سؤال بپرسد، اما دیگر نمی‌تواند به آن اشاره حسی کند: مثلاً می‌توان پرسید سیمرغ چیست؟ اما نمی‌توان پرسید این چیست و پاسخ آن سیمرغ باشد.

ضمیر اشاره «این» و «آن» دلالت بر عالم واقعیت دارد: یعنی سؤال دربارهٔ امری است که قابل اشاره حسی باشد.

نکته: در سؤال «این / آن چیست؟» چند پیش‌فرض وجود دارد: ۱) وجود داشتن آن چیزی که به آن اشاره می‌کنیم. ۲) ماهیت داشتن آن چیزی که به آن اشاره می‌کنیم. ۳) عدم آگاهی و علم ما به آنچه که به آن اشاره می‌کنیم. در سؤال «این / آن چیست؟» ما می‌خواهیم چیستی (ماهیت) چیزی که وجودش را باور داریم، بشناسیم. به هر آنچه در پاسخ سؤال «این / آن چیست؟» می‌آید، چیستی یا ماهیت گفته می‌شود: برای مثال کتاب / فندق / لیوان و... هر موجودی چیستی و ماهیت مختص به خودش را دارد و به واسطهٔ آن از دیگر موجودات متمایز می‌شود.

وجه اختصاصی موجودات ← ماهیت (که باعث تمایز بین ماهیت‌ها می‌شود). [در اصطلاح فلسفی به تمایز، کثرت هم می‌گویند].
وجه اشتراک موجودات ← وجود (همهٔ موجودات در اینکه وجود دارند با یکدیگر اشتراک دارند).

نکته نهایی: ماهیت وجه تمایز همهٔ اشیاء نیست؛ مثلاً اگر دو شیء از یک نوع باشند، هم در وجود و هم در ماهیت مشترک‌اند یا مثلاً اینکه من و تو هر دو انسان هستیم یعنی اگر به من اشاره کنند و بگویند «این چیست؟»، باز هم جواب انسان است. پس من و تو چون از یک نوع هستیم، هم در وجود و هم در ماهیت مشترک‌ایم.

قدم سوم: مغایرت وجود و ماهیت (مغایرت ذهنی)

اینکه در هر موجودی دو جنبهٔ وجود و ماهیت را تشخیص می‌دهیم، به این معنا نیست که این‌ها اجزای سازندهٔ آن پدیده هستند که با هم ترکیب شده‌اند و آن واقعیت را به وجود آورده‌اند (مثل ترکیب اکسیژن و هیدروژن در به وجود آمدن آب). وجود و ماهیت اجزای سازندهٔ موجودات نیستند، بلکه حیثیت و جنبه‌های مختلف آن محسوب می‌شوند. در واقع وجود و ماهیت مانند دو روی یک سکه هستند. هستی و چیستی (وجود و ماهیت) صرفاً در ذهن از هم متمایز می‌شوند: دو مفهوم مختلف‌اند.

نکته: وقتی از مفهوم صحبت می‌کنیم، حواسمان هست که جایگاه مفاهیم در ذهن است. در عالم خارج (واقعیت)، هر پدیده یک حقیقت یکپارچه است که با تجزیه و تحلیل عقلی، دو مفهوم وجود و ماهیت را به آن نسبت می‌دهیم. پس می‌توان گفت:

وجود و ماهیت دو مفهوم متفاوت هستند که مصداقی واحد دارند.

مثال: زهرا هم موجود است و هم انسان و این‌طور نیست که وجود و انسان با هم ترکیب شوند و زهرا ساخته شود.

وجود و ماهیت در عالم خارج یا عالم واقعیت که در اصطلاح فلسفی به آن عین هم می‌گویند غیرقابل تفکیک هستند، یعنی یکی شده‌اند و وحدت پیدا کرده‌اند اما در ذهن قابل تفکیک هستند، یعنی دو چیز هستند و مغایرت دارند. از نگاه علم شیمی، آب ترکیبی از دو عنصر است اما از نگاه فلسفی، آب یک موجود واحد و غیرمرکب است که تنها از نظر ذهنی می‌توان دو حیثیت یا دو جنبهٔ وجود (هستی) و ماهیت (چیستی) را برایش قائل شد. فارابی اهمیت ویژه‌ای برای بحث تفاوت «وجود» و «ماهیت» و تمایز ذهنی این دو مفهوم از یکدیگر قائل بود. (پیش از فارابی، ارسطو در کتاب «مابعدالطبیعه» وجود را از ماهیت جدا می‌سازد، هرچند به توضیحات کوتاه اکتفا می‌کند). ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و نکات بسیار مهمی را در این زمینه مطرح کرد. ابن‌سینا تمایز وجود و ماهیت را **مغایرت وجود و ماهیت** نامید.

نکته نهایی: مغایرت (غیر بودن) به معنای یک چیز نبودن است، در واقع وقتی می‌گوییم وجود و ماهیت مغایرت دارند، یعنی وجود و ماهیت یک چیز نیستند.

قدم چهارم: اثبات منطقی مغایرت وجود و ماهیت

ابن‌سینا از طریق بررسی رابطه موضوع و محمول در قضایا، استدلال‌هایی برای اثبات مغایرت وجود و ماهیت ارائه کرد.

قضیه حملی از لحاظ نوع رابطه میان موضوع و محمول به دو دسته تقسیم می‌شود:

حمل بی‌نیاز از دلیل: میان مفهوم موضوع و مفهوم محمول رابطه همیشگی برقرار است.

- محمول برای حمل به موضوع به دلیل نیاز ندارد، یعنی نمی‌توان از چرایی این قضیه سؤال کرد: مثل «چرا فیل حیوان است؟»
انسان حیوان ناطق است. مثلث شکل سه‌ضلعی است.

موضوع محمول موضوع محمول

حمل نیازمند به دلیل: میان مفهوم موضوع و مفهوم محمول رابطه همیشگی برقرار نیست.

- در این نوع حمل، موضوع و محمول هم‌مفهوم نیستند.
- نسبت دادن محمول به موضوع نیازمند دلیل است، یعنی سؤال از چرایی این قضیه معنادار است: مثل «چرا دم خر دراز است؟» 😊
- رابطه ضروری میان آن‌ها برقرار نیست.
- انسان موجود است. انسان شجاع است.

موضوع محمول موضوع محمول

ابن‌سینا از این تقسیم‌بندی نتیجه می‌گیرد: از آنجایی که حمل وجود بر هر ماهیتی از نوع حمل غیرضروری است، پس وجود و ماهیت مغایر یکدیگر هستند. چراکه اگر مفهوم وجود و مفهوم ماهیت مغایر نبودند و یکی بودند، دو قضیه الف موجود است [حمل وجود بر ماهیت] و الف الف است [حمل ماهیت بر ماهیت] باید یکی می‌شدند چون موضوع و محمول و نسبت آن‌ها یکی بود. حال چون یکی ضروری و یکی غیرضروری است، متوجه می‌شویم که محمول‌های متفاوت دارند، یکی از این محمول‌های متفاوت وجود و دیگری ماهیت است. پس وجود و ماهیت یکی نیستند.

راه میانبر تشخیص نیازمند دلیل بودن یا نبودن

- اگر بتوان از چرایی آن حمل سؤال کرد و این سؤال پاسخ داشته باشد، حمل نیازمند دلیل است: مثل چرا مثلث سه زاویه دارد؟ چون سه ضلع دارد.
- اگر نتوان از چرایی آن حمل سؤال کرد و این سؤال پاسخ نداشته باشد، آن حمل بی‌نیاز از دلیل است: مثل چرا مثلث شکل است؟ 😊

در حاشیه کتاب درسی توو پاورقی دو نوع دیگر از حمل رو یاد داده که بهتره اینارو هم یادگیری: حمل اولی ذاتی و حمل شایع صنعتی.

کتاب می‌دانه آگه محمول برای موضوع ذاتی باشه. بهش می‌گیم حمل اولی ذاتی و آگه ذاتی نباشه. بهش می‌گیم حمل شایع صنعتی.

مثلاً قضیه «انسان حیوان است» چون مفهوم حیوان برای انسان ذاتیه پس می‌شه اولی ذاتی ولی قضیه «انسان شجاع است» چون شجاع برای انسان ذاتی نیست پس این حمل می‌شه شایع صنعتی.

حال سؤال پیش می‌اد که چطوری بفهمیم یه مفهوم ذاتی یه مفهوم دیگه هست یا نیست. راه تشخیصش اینه که ببینی بدون اون محمول می‌شه اون موضوع رو تعریف کرد یا نه. آگه می‌شه. اون مفهوم می‌شه عرضی و آگه نمی‌شه. اون مفهوم می‌شه ذاتی: مثلاً می‌شه بدون مفهوم سه زاویه مثلث رو تعریف کرد؟ بله. پس سه زاویه برای مثلث می‌شه عرضی یا مثلاً می‌شه بدون مفهوم شکل مثلث رو تعریف کرد؟ نه. پس شکل برای مثلث می‌شه ذاتی.

حواست باشه که حمل بی‌نیاز از دلیل و نیازمند به دلیل بهتر تیب با اولی ذاتی و شایع صنعتی مصداق یکی دارن ولی از نظر تعریف با هم متفاوت هستن.

یه حمل دیگه هم هست: حمل ضروری و غیرضروری که توو درس بعد می‌خونیمش.

توجه ویژه ابن‌سینا به بحث مغایرت وجود و ماهیت موجب طرح مباحث جدیدی در فلسفه اسلامی تا عصر ملاصدرا و حتی امروز گردید.

از اساسی‌ترین آرای فلسفی در تفکر اسلامی (نه فلسفه اسلامی)

پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا (برهان وجوب و امکان)

توماس آکوئیناس ← گسترش دهنده بحث مغایرت وجود و ماهیت ابن‌سینا در اروپا که مناقشات زیادی را در پی داشت.

بنیان‌گذار فلسفه تومیسیم در اروپا شد. (فلسفه‌ای که از دلایل فلسفی و منطقی برای اثبات مسائل دینی استفاده می‌کرد).

فلسفه او مبتنی بر دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی دیدگاه‌های ابن‌رشد بود.

مانند ابن‌سینا، بحث مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان‌های خداشناسی خود قرار داد.

موجب آشنایی اروپا با اندیشه‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد شد و از این طریق، اروپا بار دیگر با فلسفه ارسطویی آشتی کرد (در دوران حاکمیت کلیسا، فلسفه کفر شمرده شده بود، اما با تلاش‌های توماس، با معرفی فلاسفه‌ای همچون ابن‌سینا و ابن‌رشد، اروپایی‌ها به این نتیجه رسیدند که می‌توان از فلسفه در خدمت دین استفاده نمود).



سؤالات امتحانی

بخش اول

مقدمه - قدم اول - قدم دوم

الف) درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید و جملات نادرست را اصلاح کنید.

☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐
☐	☐

۱. اولین مبحث برای ورود به فلسفه، درک دو مفهوم هستی و چیستی است.
۲. وجود و ماهیت از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند.
۳. هستی و چیستی مفاهیمی هستند که همواره در کنار هم به کار می‌روند.
۴. «اصل واقعیت»، اصلی است که رفتارهای طبیعی انسان‌ها بیانگر آن است.
۵. ما از چیزهایی که در اطرافمان هستند، برحسب نیازمان استفاده می‌کنیم.
۶. ما انسان‌ها می‌دانیم که می‌توانیم به موجودات پیرامون خود علم پیدا کنیم.
۷. خصوصیات هر شیء با شیء دیگر حتماً متفاوت است.
۸. اشاره کردن به چیزی نشان‌دهنده علم به ماهیت و چیستی آن است.
۹. شناخت هر شیء یعنی شناخت ماهیت آن شیء.
۱۰. یکی از ارکان ماهیت هر شیء، ویژگی‌ای است که آن را از دیگر موجودات متمایز می‌کند.
۱۱. ذاتیات یک شیء در منطق و فلسفه، ویژگی‌های مخصوص نام دارند.
۱۲. وجود و هستی هر شیء بیانگر ذاتیات آن شیء است.
۱۳. وجه اشتراک موجودات، وجود است.
۱۴. انسان در هر چیزی دو جزء مشاهده می‌کند: وجود و ماهیت.
۱۵. پاسخ سؤال «این چیست؟»، ماهیت آن شیء است.

ب) جاهای خالی را با کلمات یا جملات مناسب کامل کنید.

۱۶. یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم و و تعیین نسبت میان آن‌هاست.
۱۷. رفتار طبیعی ما در برخورد با پیرامون بیانگر این است که چیزهایی هستند.
۱۸. ما انسان‌ها می‌دانیم که پیرامون ما وجود دارند.
۱۹. یک کودک با سؤال «این چیست؟» در مورد یک حیوان نشان می‌دهد که به آن پی برده است.
۲۰. شناخت یک شیء یعنی آگاهی از آن شیء.
۲۱. ویژگی‌های مخصوص یک شیء آن را از دسته دیگر موجودات می‌کند.
۲۲. ویژگی‌های مخصوص یک شیء در منطق و فلسفه نام دارند.
۲۳. هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.
۲۴. انسان در هر چیزی دو جنبه می‌یابد: و
۲۵. وجود، وجه موجودات است و ماهیت، وجه آن‌ها.

ج) عبارتهای زیر را به مفاهیم موردنظر در ستون مقابلشان وصل نمایید.

- | | | |
|--|---|--------------------|
| ۲۶. از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها | • | الف) وجود |
| ۲۷. اصل فلسفی که رفتار طبیعی انسان‌ها بیانگر آن است. | • | ب) ذاتیات |
| ۲۸. وجه اشتراک موجودات | • | ج) ویژگی‌های مخصوص |
| ۲۹. ویژگی‌های مخصوص در منطق و فلسفه | • | د) اصل واقعیت |
| ۳۰. بیان‌کننده ذاتیات | • | ه) وجود و ماهیت |
| | • | و) ماهیت |

د در جملات زیر کلمه مناسب داخل پرانتز کدام است؟

۳۱. از پرکاربردترین مفاهیم میان وجود و ماهیت است. (فیلسوفان / انسان‌ها)
۳۲. وجود و ماهیت در کنار هم به کار می‌روند. (معمولاً / همیشه)
۳۳. ما انسان‌ها که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند. (می‌دانیم / اثبات می‌کنیم)
۳۴. سؤال از ماهیت یک شیء کدام است؟ (چرا هست؟ / چیست؟)
۳۵. استفاده از کلمات اشاره و پرسش از چیستی یک چیز، نشان‌دهنده این است که به اشیاء پی برده‌ایم. (وجود / ماهیت)
۳۶. استفاده از کلمات اشاره و پرسش از چیستی یک چیز، نشان‌دهنده این است که را پذیرفته‌ایم. (ماهیت داشتن آن / هلم به وجود آن)
۳۷. ویژگی‌های مخصوص هر شیء آن را از جدا می‌کند. (دسته دیگر موجودات / موجودات دیگر)
۳۸. ویژگی‌های مخصوص هر شیء در ذاتیات نامیده می‌شوند. (منطق / منطق و فلسفه)
۳۹. انسان در هر چیز دو می‌یابد. (جنبه / جزء)
۴۰. دو شیء هم در ماهیت و هم در وجود مشترک باشند. (می‌توانند / نمی‌توانند)

ه به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۴۱. اصل واقعیت بیانگر چیست؟
۴۲. اصل واقعیت به چه معناست؟
۴۳. شناخت اشیاء در گرو شناخت کدام جنبه از آن‌ها است؟
۴۴. ویژگی‌های مخصوص هر شیء در منطق و فلسفه چه نام دارند؟
۴۵. دو جنبه‌ای که با مشاهده هر چیزی توسط انسان یافته می‌شود، کدام‌اند؟

و به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۴۶. با ذکر یک مثال از رفتارهای طبیعی انسان، اصل واقعیت را توضیح دهید.
۴۷. توضیح دهید که آگاهی از چیستی یک شیء در گرو چه مفاهیمی است؟
۴۸. پیش‌فرض‌ها و هدف از سؤال «این چیست؟» را به‌صورت کامل بیان کنید.
۴۹. توضیح دهید در چه صورت دو شیء هم در هستی و هم در چیستی یکسان‌اند و در چه صورت فقط در هستی یکسان می‌باشند؟
۵۰. سه ویژگی مشترک بین دو مفهوم «وجود و ماهیت» بیان کنید.

بخش دوم

قدم سوم - قدم چهارم - گذری تاریخی

الف درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید و جملات نادرست را اصلاح کنید.

۵۱. فارابی، راه ابن‌سینا در مورد نسبت میان وجود و ماهیت را ادامه داد.
۵۲. وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند، یعنی آن‌ها دو جزء از یک موجودند.
۵۳. از نگاه علوم تجربی و فلسفه، آب موجودی واحد است که از اکسیژن و هیدروژن ترکیب شده است.
۵۴. در خارج از ذهن، دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم.
۵۵. جملاتی که به مسائل روزمره ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، می‌توانند دارای تبیین فلسفی باشند.
۵۶. برخی امور وجود دارند که از هستی‌شان خبر داریم، اما چیستی آن‌ها چندان برای ما روشن نیست؛ مثل پری دریایی.
۵۷. نام‌گذاری بحث نسبت وجود و ماهیت در فلسفه اسلامی، توسط ابن‌سینا انجام شد.
۵۸. حمل وجود بر انسان با حمل ماهیت بر انسان کاملاً متفاوت است.
۵۹. اگر اجزای تعریفی یک مفهوم را بر آن حمل کنیم، آن حمل، حمل ماهیت بر ماهیت است.
۶۰. ماهیت یک شیء از آن جدایی‌ناپذیر است.
۶۱. اگر در حملی، ذات یک شیء بر آن حمل شود آن حمل نیازمند دلیل نیست.
۶۲. دلیل در حمل‌های وجودی حتماً باید عقلی باشد.
۶۳. حملی که در آن ذاتیات بر ذات حمل می‌شود، حمل شایع ذاتی نام دارد.
۶۴. اگر در حملی، موضوع و محمول یکی باشند، آن حمل حتماً از نوع اولی ذاتی است.
۶۵. معلول توجه خاص ابن‌سینا به بحث مغایرت وجود و ماهیت این بود که این بحث مقدمه مباحث جدیدی قرار گرفت.





۶۶. فرق بین وجود و ماهیت، اساسی‌ترین عقیده فلسفی در تفکر اسلامی است.
۶۷. مغایرت وجود و ماهیت در ذهن، پایه برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خداست.
۶۸. ابن‌رشد که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را گسترش داد.
۶۹. توماس آکوئیناس مانند ابن‌سینا اصل مغایرت را پایه برهان وجوب و امکان در خداشناسی قرار داد.
۷۰. توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی می‌زیست و فلسفه تومیسیم را پایه‌گذاری کرد.
۷۱. فلسفه تومیسیم امروزه در اروپا دیگر جریان ندارد.
۷۲. گسترش اصل مغایرت در اروپا توسط آکوئیناس، مقدمه طرح مباحث جدیدی شد.
۷۳. فلسفه توماس آکوئیناس بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد بود.
۷۴. فلسفه تومیسیم باعث شد فلاسفه غربی مجدداً با فلسفه افلاطون آشنا شوند.

ب جاهای خالی را با کلمات یا جملات مناسب کامل کنید.

۷۵. فیلسوف بزرگ مسلمان که به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد، نام داشت.
۷۶. از نظر ابن‌سینا وقتی می‌گوییم وجود و ماهیت دو از یک چیزند، به این معنا نیست که دو از یک چیزند.
۷۷. از نگاه هر شیء یک موجود واحد است.
۷۸. در خارج از ذهن انسان، دو امر جداگانه به نام‌های و نداریم.
۷۹. در عبارت «انسان حیوان ناطق است» به وسیله تعریف شده است.
۸۰. مفاهیمی که اجزای تعریفی یک مفهوم هستند، آن را تشکیل می‌دهند.
۸۱. اگر مفهومی چیستی یک مفهوم دیگر را بیان کند، در واقع بیان‌کننده و آن است.
۸۲. وقتی مفهوم وجود را بر هر ماهیتی حمل می‌کنیم، هستیم.
۸۳. حملی که در آن امور غیرذاتی بر ذات حمل می‌شوند، نام دارد.
۸۴. بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در فرق بین وجود و ماهیت است.
۸۵. مغایرت وجود و ماهیت، پایه برهان ابن‌سینا است.
۸۶. فیلسوفی که اصل مغایرت را در اروپا گسترش داد نام داشت.
۸۷. مکتب فلسفی توماس آکوئیناس است.
۸۸. فلسفه توماس آکوئیناس بیشتر متکی به دیدگاه‌های و تا حدودی بود.
۸۹. فلاسفه غرب از طریق با اندیشه‌های عقلی ابن‌سینا آشنا شدند.

ج عبارتهای زیر را به مفاهیم موردنظر در ستون مقابلشان وصل نمایید.

- | | |
|-----------------------------------|------------------------|
| ۹۰. مغایرت بین وجود و ماهیت | • الف) ترکیبی از عناصر |
| ۹۱. نگاه علوم تجربی در مورد اشیاء | • ب) حمل اولی ذاتی |
| ۹۲. حمل شکل بر مثلث | • ج) بیان‌کننده حقیقت |
| ۹۳. قضیه «مثلث سه زاویه دارد» | • د) در ذهن |
| ۹۴. اجزای تعریفی هر مفهوم | • ه) حمل شایع صناعی |
| ۹۵. برهان ابن‌سینا در اثبات خدا | • و) آکوئیناس |
| ۹۶. پایه‌گذار مکتب تومیسیم | • ز) در واقعیت |
| ۹۷. طریق آشنایی مجدد غرب با ارسطو | • ح) وجوب و امکان |
| | • ط) ابن‌سینا |

د در جملات زیر کلمه مناسب داخل پرانتز کدام است؟

۹۸. حمل عجول بر انسان کدام است؟ (بی‌نیاز از دلیل / نیازمند به دلیل)
۹۹. هستی و چیستی (دو مفهوم از یک چیزند / دو جزء از یک موجودند).
۱۰۰. دو امر جداگانه به نام‌های وجود و ماهیت مربوط به کدام است؟ (ذهن / خارج)

۱۰۱. چیزی که از هستی‌اش خبر داریم، اما چیستی آن چندان برایمان روشن نیست. (روح / پری دریایی)
 ۱۰۲. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان به وسیله حیوان ناطق (تعریف شده است) به وجود آمده است.
 ۱۰۳. حمل مثلث بر شکل (اولی ذاتی / شایع صناعی)
 ۱۰۴. حمل شکل بر مثلث (اولی ذاتی / شایع صناعی)
 ۱۰۵. مبنای فلسفه توماس آکوئیناس (ابن‌سینا / ابن‌رشد)
 ۱۰۶. کدام بی‌نیاز از دلیل است؟ (انسان ناطق است / مثلث سه زاویه است)
 ۱۰۷. نظر چه کسی درباره مغایرت وجود و ماهیت مورد توجه فلاسفه مسلمان قرار گرفت؟ (ابن‌سینا / توماس آکوئیناس)

۵ به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱۰۸. تفاوت علوم تجربی و فلسفه در نگاه به اشیاء در چیست؟
 ۱۰۹. دو جزء از یک چیز در چه زمانی آن چیز را می‌سازند؟
 ۱۱۰. حمل اولی ذاتی را تعریف کنید.
 ۱۱۱. چرا دو مفهوم «انسان» و «حیوان ناطق» از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند؟
 ۱۱۲. رابطه حمل بی‌نیاز از دلیل و اولی ذاتی از بین نسبت‌های چهارگانه کدام است؟
 ۱۱۳. دو نوع از دلیل‌های حمل‌های نیازمند دلیل را نام ببرید.
 ۱۱۴. توماس آکوئیناس کدام مطلب را در اروپا گسترش داد؟

۶ به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۱۵. توضیح دهید که وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند، کدام برداشت خلط منتفی است. چرا؟ (با ذکر مثال)
 ۱۱۶. تفاوت حمل اولی ذاتی با شایع صناعی را توضیح داده (با ذکر مثال) و نسبت آن‌ها را با حمل‌های نیازمند و بی‌نیاز از دلیل بیان کنید.
 ۱۱۷. توضیح دهید اگر وجود همین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود، چه مشکلی پیش می‌آمد؟ (۲ مورد برای هر کدام)
 ۱۱۸. رابطه بین چهار فیلسوف «توماس آکوئیناس / ابن‌سینا / ابن‌رشد / ارسطو» را توضیح دهید.
 ۱۱۹. دلیل ابن‌سینا مبنی بر مغایرت وجود و ماهیت با توجه به انواع حمل را با ذکر مثال توضیح دهید.
 ۱۲۰. سه گزاره بنویسید که مربوط به مسائل روزمره‌اند و قضایای فلسفی نیستند، اما تبیین فلسفی مربوط به بحث مغایرت وجود و ماهیت دارند و تبیین فلسفی آن‌ها را توضیح دهید.

بخش سوم

وقت نهایی

الف درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید و جملات نادرست را اصلاح کنید.

- | | | |
|-------------------------------------|--------------------------|--|
| ☒ | ☐ | ۱۲۱. وجود، وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آن‌ها می‌باشد. |
| ☒ | ☐ | ۱۲۲. میان انسان به‌عنوان یک «ماهیت» و «وجود»، رابطه ذاتی برقرار است. |
| ☒ | ☐ | ۱۲۳. حمل «جسم» بر «مداد و خودکار» به دلیل نیاز دارد. |
| ☒ | ☐ | ۱۲۴. در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آن‌ها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. |
| ☒ | ☐ | ۱۲۵. حمل حیوان ناطق بر انسان، به دلیل نیاز دارد. |
| ☒ | ☐ | ۱۲۶. حمل مفهوم «وجود» بر هر ماهیتی از جمله انسان، نیازمند دلیل است. |
| ☒ | ☐ | ۱۲۷. دلیل حمل وجود بر هر ماهیتی، از طریق حس و تجربه یا عقل محض قابل شناسایی است. |
| ☒ | ☐ | ۱۲۸. وجود هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن است. |
| ☒ | ☐ | ۱۲۹. وجود، وجه اختصاصی موجودات و ماهیت، وجه مشترک آن‌ها است. |
| ☒ | ☐ | ۱۳۰. از نگاه فلسفه، آب یک موجود واحد با دو مفهوم مختلف است. |

ب جاهای خالی را با کلمات یا جملات مناسب کامل کنید.

۱۳۱. نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود و نظریه «فرق وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد، _____ بوده است.
 ۱۳۲. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که از _____ اشیاء آگاه است.
 ۱۳۳. انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند دو جنبه می‌یابد: «_____» و «_____».
 ۱۳۴. ویژگی‌های مخصوص یک شیء را در منطق و فلسفه _____ آن شیء می‌گویند.
 ۱۳۵. وقتی کسی می‌پرسد «آن چیست؟»، یعنی به _____ آن شیء پی برده است، اما از _____ آن بی‌خبر است.

ج. گزینه درست را انتخاب نمایید.

- | | |
|--|---------------------------|
| ۱۳۶. کدام اصل، پایهٔ برهان وجوب و امکانِ ابن‌سینا قرار گرفته است؟ | (خرداد ۹۹) |
| (۱) مغایرت وجود و ماهیت | (۲) تقدم علت بر معلول |
| ۱۳۷. نوعِ حمل، در قضیهٔ «لوزی شکل است» با کدام یک از قضایای داده‌شده تناسب دارد؟ | (خرداد ۱۴۰۱) |
| (۱) انسان حیوان است. | (۲) انسان مخلوق است. |
| ۱۳۸. محمول در کدام یک از قضایای داده‌شده، جزو مفهوم موضوع است نه هین آن؟ | (دی ۱۴۰۱) |
| (۱) مثلث شکل است. | (۲) مثلث شکل سه‌ضلعی است. |
| ۱۳۹. در کدام قضیه، محمول از اجزای ذاتی موضوع است؟ | (خرداد ۱۴۰۲) |
| (۱) آهن، فلز است. | (۲) آب، شور است. |

د در جملات زیر کلمه مناسب داخل پرانتز کدام است؟

۱۴۰. فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه (افلاطون / ارسطو) آشنا شدند. (دی ۹۹)
۱۴۱. در قرن ۱۳ میلادی، فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه (افلاطون / ارسطو) آشنا شدند. (خرداد ۱۴۰۰)
۱۴۲. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به (وجود / ماهیت) اشیای پی برده است. (دی ۱۴۰۰)

ه به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱۴۳. به ترتیب، وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟ (دی ۹۹)
۱۴۴. چرا در حملِ «شکل سه ضلعی» بر «مثلث»، نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟ (شهریور ۱۴۰۰)
۱۴۵. یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که «نظریهٔ مغایرت وجود و ماهیت» را پایهٔ برهان خود در خداشناسی قرار داده‌اند، نام ببرید. (دی ۱۴۰۰)
۱۴۶. وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات را به ترتیب بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰)

9 به سوالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۴۷. تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «موجود» بر انسان چیست؟ توضیح دهید. (خرداد ۹۹)
۱۴۸. تفاوت حمل «شکل سه ضلعی» بر «مثلث» با حمل «موجود» بر «مثلث» چیست؟ توضیح بدهید. (شهریور ۹۹)
۱۴۹. از دیدگاه ابن سینا وقتی می‌گوییم «آب و وجود دو مفهوم از یک موجود هستند»، به چه معنا می‌باشد؟ توضیح دهید. (خرداد ۱۴۰۲)
۱۵۰. چرا حمل وجود بر «درخت»، به دلیل نیاز دارد؟ توضیح دهید. (شهریور ۱۴۰۲)
۱۵۱. مشخص کنید در کدام یک از گزاره‌های زیر، حمل محمول به موضوع، نیازمند دلیل است؟ چرا؟ (دی ۱۴۰۲)
- الف) شتر حیوان است. ب) انسان مخلوق است.

بخش دوم

پاسخ نامه



پاسخ سؤالات درس «۱»

۱. نادرست (درک دو مفهوم هستی و چیستی و تعیین نسبت میان آن دو، یکی از اولین مباحث فلسفه است، نه اولین مبحث فلسفه).
۲. درست
۳. نادرست (هستی و چیستی (وجود و ماهیت) مفاهیمی هستند که معمولاً در کنار هم به کار می‌روند).
۴. درست
۵. درست
۶. درست
۷. نادرست (خصوصیات و ویژگی‌های مخصوص هر شیء یا موجودات دیگر متفاوت است، نه اینکه صرفاً خصوصیات اشیاء با هم متفاوت باشند).
۸. نادرست (اشاره یا کلماتی مثل «این و آن» نشان می‌دهد که فرد، وجود این اشیاء را پذیرفته است).
۹. درست
۱۰. درست
۱۱. نادرست (ویژگی‌های مخصوص هر شیء که باعث تمایز و تفاوت اشیاء از هم می‌شوند، در فلسفه و منطق ذاتیات نامیده می‌شوند).
۱۲. نادرست (ماهیت و چیستی هر شیء بیانگر ذاتیات آن شیء است).
۱۳. درست
۱۴. نادرست (انسان در هر چیزی دو جنبه مشاهده می‌کند، نه دو جزء).
۱۵. درست
۱۶. هستی (وجود) / چیستی (ماهیت)
۱۷. واقعی
۱۸. اشیاء و موجودات
۱۹. وجود آن حیوان
۲۰. ماهیت
۲۱. متفاوت و متمایز
۲۲. ذاتیات
۲۳. ماهیت و چیستی
۲۴. وجود - ماهیت
۲۵. مشترک - اختصاصی
۲۶. ه) از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها، وجود و ماهیت است.
۲۷. د) اصل فلسفی که رفتار طبیعی انسان‌ها بیانگر آن است = اصل واقعیت
۲۸. الف) وجه اشتراک موجودات = وجود
۲۹. ب) ویژگی‌های مخصوص در منطق و فلسفه = ذاتیات
۳۰. و) بیان‌کننده ذاتیات = ماهیت
۳۱. انسان‌ها
۳۲. معمولاً
۳۳. می‌دانیم
۳۴. چیست؟
۳۵. وجود
۳۶. ماهیت داشتن

نکته: اشاره به چیزی و پرسش از چیستی آن، پذیرش وجود و ماهیت داشتن آن است نه پذیرش علم به وجود آن. درواقع پذیرش علم به وجود مرحله بعدی از شناخت است.

۳۷. دسته دیگر موجودات
۳۸. منطق و فلسفه
۳۹. جنبه

۴۰. می‌توانند (دو شیء که در یک دسته قرار دارند، مثل دو انسان هم در وجود مشترک‌اند هم در ماهیت اما در اعراض مختلف‌اند).
۴۱. اصل واقعیت بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم.
۴۲. اصل واقعیت یعنی ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.
۴۳. شناخت اشیاء یعنی آگاهی از چیستی و ماهیت آن‌ها
۴۴. ذاتیات یک شیء
۴۵. موجود بودن و چیستی داشتن
۴۶. از همان کودکی وقتی گرسنه و تشنه می‌شدیم، به سراع غذا و آب می‌رفتیم تا نیازمان را برآورده سازیم. وقتی غمگین می‌شدیم و دل‌مان می‌گرفت، در کنار یکی از عزیزانمان پهلوی می‌گرفتیم تا روحمان آرامش یابد و اندوهمان برطرف شود. این رفتار طبیعی ما بیانگر حقیقت و اصل فلسفی واقعیت است. در این اصل می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم، یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعاً هست و می‌توان یا دست خود آن‌ها را برداشت و از آن‌ها استفاده کرد. در واقع ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.
۴۷. آگاهی از چیستی اشیاء یعنی شناختن آن‌ها، یعنی دانستن اینکه موجودات ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند که آن‌ها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. این ویژگی‌های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می‌گویند. به عبارت دیگر، ماهیت و چیستی هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.
۴۸. در سؤال «این چیست؟» هدف شناخت شیء و آگاهی از چیستی آن است. در این سؤال یا استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان داده می‌شود که به «وجود» شیء پی برده‌ایم و می‌دانیم که آن موجود است. علاوه بر این می‌دانیم که آن شیء ماهیت دارد، اما از ماهیت و چیستی آن آگاه نیستیم.
۴۹. می‌دانیم که وجود، وجه مشترک موجودات و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌ها است. ماهیت بیانگر ویژگی‌های مخصوص اشیاء است که یک موجود را از دسته دیگر موجودات جدا می‌کند. دسته دیگر موجودات این را نشان می‌دهد که اگر دو شیء در یک دسته از موجودات باشند، هم در وجود مشترک‌اند هم در ماهیت؛ مثلاً دو کتاب یا دو انسان در وجود مشترک‌اند، اما چون در یک دسته قرار دارند، در ماهیت هم اشتراک دارند، اما یک کتاب و یک انسان چون در یک دسته از موجودات نیستند، فقط در وجود مشترک‌اند و در ماهیت اختلاف دارند.
۵۰. ۱) درک این دو مفهوم و تعیین نسبت میان آن دو، یکی از مباحث اولیه فلسفه است. ۲) این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند. ۳) این دو مفهوم معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۵۱. نادرست (این‌سینا راه فارابی در مورد نسبت میان وجود و ماهیت را ادامه داد).
۵۲. نادرست (وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند، بدین معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب شده‌اند).
۵۳. نادرست (از نگاه علوم تجربی مثل شیمی، آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است، اما از نگاه فلسفی آب، موجودی واحد است که انسان دو معنا و دو مفهوم مختلف هستی و چیستی را از همین یک موجود به دست می‌آورد).
۵۴. درست
۵۵. درست
۵۶. نادرست (پری دریایی مفهومی است که چیستی آن را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم. در حالی که حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند و اموری که از هستی‌شان خبر داریم، اما چیستی آن‌ها چندان برایمان روشن نیست مثل روح و... هستند).
۵۷. درست
۵۸. درست



۹۷. ط) فلاسفه غرب یا فلسفه تومیسیم یا اندیشه‌های فلسفی و عقلی این‌سینا و ابن‌رشد آشنا شدند و از این طریق، مجدداً یا فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کردند.

۹۸. نیازمند به دلیل (در انسان عجز است، عجز برای انسان ذاتی نیست پس حمل شایع صناعی است و نیازمند به دلیل است).

۹۹. هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند.

۱۰۰. مغایرت وجود و ماهیت و جدایی این دو در ذهن است، نه در خارج.

۱۰۱. روح (مثالی است برای چیزی که از هستی‌اش خیر داریم، اما چیستی آن چندان برایمان روشن نیست).

۱۰۲. تعریف شده است (چون حیوان و ناطق اجزای تعریفی انسان هستند).

۱۰۳. شایع صناعی (چون در قضیه شکل مثلث است، مثلث برای شکل ذاتی نیست).

نکته: در این سبک سوالات، به ترتیب حمل A بر B یا B بر A خیلی دقت کنید؛ مثلاً اگر مثلث بر شکل حمل شود، داریم شکل مثلث است و حمل شایع صناعی است، اما اگر شکل بر مثلث حمل شود، داریم مثلث شکل است و حمل اولی ذاتی است.

۱۰۴. اولی ذاتی (چون در قضیه مثلث شکل است، شکل برای مثلث ذاتی است).

۱۰۵. این‌سینا (فلسفه توماس آکوئیناس بیشتر متکی به دیدگاه‌های این‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود).

۱۰۶. انسان ناطق است (چون ناطق ذاتی انسان است، اما سه زاویه ذاتی مثلث نیست).

۱۰۷. این‌سینا (این نظر این‌سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه دارد).

۱۰۸. در علوم تجربی، اشیاء ترکیبی از عناصر سازنده نگاه می‌شوند، اما در فلسفه موجودی واحد.

۱۰۹. زمانی که با هم ترکیب یا جمع شوند.

۱۱۰. حمل‌هایی مانند انسان حیوان ناطق است که در آن ذاتیات بر ذات حمل می‌شوند، حمل اولی ذاتی نام دارند.

۱۱۱. چون ذات انسان چیزی جز حیوان ناطق نیست.

۱۱۲. تساو

۱۱۳. حسی و تجربی - عقلی محض

۱۱۴. مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

۱۱۵. وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند از نگاه علم شیمی، آب، ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به‌دست می‌آوریم، اما از نگاه فلسفی، آب موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی و هستی را از همین یک موجود به‌دست می‌آورد، یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم. به عبارت دیگر، آب و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

۱۱۶. فلاسفه و منطق‌دانان، حمل‌هایی مانند انسان حیوان ناطق است، انسان حیوان است، انسان ناطق است، مثلث شکل سه‌ضلعی است که ذاتیات بر ذات حمل می‌شوند را حمل اولی ذاتی و حمل‌هایی مانند انسان حرکت‌کننده است و انسان موجود است که امور غیرذاتی بر ذات و ماهیت حمل می‌شوند را حمل شایع صناعی نامیده‌اند. حمل‌های اولی ذاتی چون ذاتی بر ذات حمل می‌شود، بی‌نیاز از دلیل (حس تجربی یا عقلی محض) هستند و حمل‌های شایع صناعی چون غیرذاتی بر ذات حمل می‌شود، نیازمند دلیل (حسی تجربی یا عقلی محض) هستند.

۱۱۷. اگر وجود در ذهن عین ماهیت باشد: (۱) وجود داشتن همه ماهیت‌ها بی‌نیاز از دلیل می‌شد: چون در این صورت حمل وجود بر ماهیت، حمل اولی ذاتی خواهد بود و هر حمل اولی ذاتی بی‌نیاز از دلیل است. (۲) نفی وجود از هیچ ماهیتی ممکن نبود: چون در صورت عدم مغایرت دو مفهوم وجود و ماهیت، اتحاد بین آن‌ها برقرار است و نمی‌توان یکی را از دیگری نفی کرد. (۳) همه ماهیت‌ها یکی می‌شوند: چون وجود، وجه اشتراک بین اشیاء بود و در صورت اتحاد با ماهیت، اختلاف اشیاء برابری یا اشتراک اشیاء خواهد بود که تناقض است. (۴) آثار و خواص مربوط به ماهیت خواهند شد: در صورت اتحاد مفهومی وجود و ماهیت، خواص وجودی اشیاء به ماهیت آن‌ها برمی‌گردد و انتظار آن خواص هنگام تصور آن‌ها را باید داشته باشیم. اگر وجود در ذهن جزء ماهیت باشد، موارد ۱ / ۲ / ۴ اتفاق خواهند افتاد.

۵۹. درست

۶۰. درست

۶۱. درست

۶۲. نادرست (در حمل‌هایی مثل انسان موجود است، نیازمند دلیل هستیم. حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض).

۶۳. نادرست (حمل‌هایی مثل انسان حیوان است و انسان ناطق است که ذاتیات بر ذات حمل می‌شوند، حمل اولی ذاتی نام دارند).

۶۴. درست

۶۵. درست

۶۶. نادرست (گفته‌اند فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است).

۶۷. نادرست (این نظر پایه یکی از برهان‌های این‌سینا در اثبات وجود خدا به نام وجوب و امکان می‌باشد).

۶۸. نادرست (توماس آکوئیناس که با فلسفه این‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد).

۶۹. نادرست (توماس آکوئیناس همچون این‌سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد، اما برهان وجوب و امکان متعلق به خود این‌سیناست).

۷۰. درست

۷۱. نادرست (توماس آکوئیناس پایه‌گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است).

۷۲. نادرست (گسترش اصل مغایرت وجود و ماهیت در اروپا، زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در اروپا شد و توجه خاص این‌سینا به این بحث، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت).

۷۳. نادرست (فلسفه تومیسیم بیشتر متکی به دیدگاه‌های این‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود).

۷۴. نادرست (فلاسفه غرب از طریق فلسفه تومیسیم با اندیشه‌های عقلی و فلسفی این‌سینا و ابن‌رشد آشنا شدند و از این طریق، مجدداً یا فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کردند).

۷۵. فارابی

۷۶. مفهوم - جزء

۷۷. فلسفی

۷۸. وجود - ماهیت

۷۹. انسان - حیوان ناطق

۸۰. ماهیت (چیستی / ذاتیات)

۸۱. ذات - حقیقت

۸۲. نیازمند دلیل

۸۳. شایع صناعی

۸۴. تفکر اسلامی

۸۵. وجوب و امکان

۸۶. توماس آکوئیناس

۸۷. تومیسیم

۸۸. این‌سینا - ابن‌رشد

۸۹. فلسفه تومیسیم (اندیشه‌های توماس آکوئیناس)

۹۰. د) مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است، نه در واقعیت و خارج.

۹۱. الف) از نگاه علوم تجربی مثل شیمی، اشیاء ترکیبی از عناصر تشکیل‌دهنده‌شان هستند.

۹۲. ب) در حمل مثلث شکل است چون شکل ذاتی مثلث است، پس حمل اولی ذاتی است.

۹۳. ه) قضیه مثلث سه زاویه دارد چون سه زاویه ذاتی مثلث نیست، حمل شایع صناعی است.

نکته: شکل بودن هر شکل جزو ویژگی‌های ذاتی آن است، اما زاویه داشتن ذاتی نیست.

۹۴. ج) اجزای تعریفی هر مفهوم، چیستی آن را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت آن هستند.

۹۵. ج) یکی از برهان‌های این‌سینا در اثبات وجود خدا، برهان «وجوب و امکان» نام دارد.

۹۶. و) توماس آکوئیناس پایه‌گذار مکتب فلسفی تومیسیم در قرن ۱۳ میلادی بود.



۱۱۸. یکی از فیلسوفان یزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه این‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد. او همچون این‌سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است. او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های این‌سینا و تا حدودی این‌رشد، دیگر فیلسوف مسلمان بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی این‌سینا و این‌رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

۱۱۹. این‌سینا برای این نظر خود که آن را مغایرت وجود و ماهیت نامیده، دلایلی ذکر کرده است. یکی از آن دلایل به شرح زیر می‌باشد: او می‌گوید در دو گزاره انسان حیوان ناطق است و انسان موجود است، حمل وجود بر انسان یا حمل حیوان ناطق بر انسان کاملاً متفاوت است. در عبارت انسان حیوان ناطق است، انسان به وسیله حیوان ناطق تعریف شده است، یعنی حیوان و ناطق اجزای تعریفی انسان هستند و چستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند، یعنی ذات انسان چیزی جز همان حیوان ناطق نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند، یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای حیوان ناطق به کار می‌رود. چون حیوان ناطق همان حقیقت و ذات انسان است، حمل حیوان ناطق بر انسان به دلیل نیاز ندارد، یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما حیوان ناطق را بر انسان حمل کنید اما رابطه دو مفهوم وجود و انسان این‌گونه نیست. برای اینکه مفهوم وجود را بر مفهوم انسان حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم یگویم انسان موجود است. حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض. سایر ماهیت‌ها و چستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند؛ بنابراین مفهوم انسان به‌عنوان یکی از چستی‌ها یا مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست.

۱۲۰. گزاره اول: در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم چستی آن‌ها را می‌شناسیم و هم از هستی‌شان خیر داریم؛ مثل آب. گزاره دوم: برخی امور وجود دارند که از هستی‌شان خیر داریم، اما چستی آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مثل روح.

گزاره سوم: چستی‌های فراوانی را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مثل گلایی پرنده.

همه این گزاره‌ها یک پیش‌فرض فلسفی دارند و آن مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است، یعنی اگر این دو مغایر نبودند، گزاره‌ای مثل گزاره سوم امکان نداشت و اگر ماهیتی را تصور می‌کردیم باید در همان زمان موجود می‌شد.

۱۲۱. نادرست (وجود = مشترک / ماهیت = مخصوص)

۱۲۲. نادرست (هیچ چیزی یا وجود رابطه ذاتی ندارد).

۱۲۳. نادرست (جسم ذاتی اشیاء است).

۱۲۴. درست

۱۲۵. نادرست (حیوان ناطق ذاتی انسان است).

۱۲۶. درست

۱۲۷. درست

۱۲۸. نادرست (ماهیت هر شیء بیان ذاتیات آن است)

۱۲۹. نادرست، وجود، وجه اشتراک و ماهیت، وجه اختصاصی اشیا است.

۱۳۰. درست

۱۳۱. توماس آکوئیناس

۱۳۲. وجود

۱۳۳. هستی (یا وجود) - چستی (یا ماهیت)

۱۳۴. ذاتیات

۱۳۵. هستی (یا وجود) - چستی (یا ماهیت)

۱۳۶. گزینه ۱: مغایرت وجود و ماهیت

۱۳۷. گزینه ۱: انسان حیوان است.

۱۳۸. گزینه ۱: مثلث شکل است.

۱۳۹. گزینه ۱: آهن فلز است.

۱۴۰. ارسطو

۱۴۱. ارسطو

۱۴۲. وجود

۱۴۳. وجود - ماهیت

۱۴۴. زیرا شکل سه‌ضلعی از اجزای تعریفی مثلث و چستی آن است و گویای ذات و حقیقت مثلث است.

۱۴۵. این‌سینا - توماس آکوئیناس

۱۴۶. وجود - ماهیت

۱۴۷. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد اما حمل وجود بر انسان در عبارت «انسان موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.

۱۴۸. در عبارت «مثلث شکل سه‌ضلعی است» حمل شکل سه‌ضلعی بر مثلث یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد اما حمل وجود بر مثلث در عبارت «مثلث موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.

۱۴۹. بدین معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند. بلکه از موجودی واحد، دو مفهوم مختلف را به‌دست آورده‌ایم. یعنی در عالم خارج دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم.

۱۵۰. زیرا وجود، از اجزای تعریفی درخت نمی‌باشد. بیانگر ذات و حقیقت درخت نیست. از آن جدایی‌پذیر است.

۱۵۱. انسان مخلوق است زیرا از اجزای تعریفی انسان نیست و چستی او را تشکیل نمی‌دهد و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان نیست.

پاسخ سؤالات درس «۲»

۱۵۲. نادرست (بسیاری از مسئله‌های اساسی و بنیادین وجود دارند که همچنان ثابت مانده‌اند نه همه مسائل بنیادین).

۱۵۳. درست

۱۵۴. نادرست (اینکه محمولی می‌تواند به موضوعی حمل شود یعنی ممکن است آن قضیه یا آن حمل، امکاتی یا وجویی باشد).

نکته: در قضایای امکاتی محمول هم می‌تواند به موضوع حمل شود هم نمی‌تواند به موضوع حمل شود.

۱۵۵. نادرست (موجیه و سالبه بودن قضایا ربطی به وجویی یا امتناعی بودن آن‌ها ندارد. قضایای امتناعی هم می‌توانند موجیه باشند مثل: «مثلث چهارضلعی است» و هم می‌توانند سالبه باشند مثل «مثلث سه‌ضلعی نیست».)

۱۵۶. درست (**نکته:** تناقض امر محال است و در قضایای امتناعی رابطه بین موضوع و محمول غیرممکن و محال است).

۱۵۷. درست (**نکته:** وقتی قضیه سالبه است باید رابطه موضوع یا نقیض محمول در نظر گرفته شود. در این مثال رابطه مثلث و چهارضلعی نبودن، همبستگی و وجویی است).

۱۵۸. درست (**نکته:** اگر رابطه موضوع و محمول همیشگی باشد، آن قضیه وجویی خواهد بود. اگر رابطه موضوع و نقیض محمول همیشگی باشد، آن قضیه امتناعی است).

۱۵۹. درست (**نکته:** قضایای وجویی احتمال کذب ندارند/ قضایای امکاتی احتمال صدق و کذب دارند/ قضایای امتناعی احتمال صدق ندارند).

۱۶۰. نادرست (اگر هوای قطب شمال نیست، تناقض یا امر محال اتفاق نمی‌افتد پس قضیه امکاتی است هرچند از ابتدا تا ابد هوای قطب شمال سرد باشد).

۱۶۱. نادرست / مثلث شکل است ← وجویی (مثلث نمی‌تواند شکل نیابد).

شکل مثلث است ← امکاتی (شکل می‌تواند مثلث باشد می‌تواند مثلث نیابد).

۱۶۲. درست (**نکته:** مثلث شکل است (وجویی) $\rightarrow$ (تقریباً نسبت) $\rightarrow$ مثلث شکل نیست (امتناعی)).

۱۶۳. درست (**نکته:** اگر ویژگی ذاتی یک مفهوم را از آن سلب یا نفی کنیم، قضیه‌ای امتناعی ساخته‌ایم).

۱۶۴. درست (**نکته:** هر حمل اولی ذاتی چون ذاتی بر ماهیت حمل می‌شود حتماً وجویی و ضروری است ولی هر حمل وجویی و ضروری اولی ذاتی نیست مثل «مثلث دارای زوایای داخلی ۱۸۰ است».)

فلفه ۲

کاربرگی امتحانی

از خود امتحان بگیر!

مجموعه کتاب‌های
بیست‌پیک

ما انتخابی نداریم
جز اینکه انتخاب کنیم



پرفراژدار
به راحتی برگه‌ها را
جدا کن و از خودت
امتحان بگیر!

۱۸ امتحان شامل:

۱۲ امتحان درس به درس در سطح سوالات نهایی

۴ امتحان شبیه‌ساز نهایی نوبت اول و دوم

۲ امتحان نهایی اخیر

• پاسخ‌نامه تشریحی به همراه ریزبارم و نکات آموزشی و مشاوره‌ای



قیمت بسته بیست‌پیک:
۲۵۰۰۰۰ تومان



باسمه تعالی

امتحان ۱: درس اول		سؤالات شبیه‌ساز نهایی		مهر و ماه
رشته: ادبیات و علوم انسانی / علوم و معارف اسلامی	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۱۰۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: فلسفه (۲)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحات: ۲	

ردیف	سؤالات	صفحه ۱ از ۲	نمره
------	--------	-------------	------

۱	تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط است. الف) دو مفهوم هستی و چیستی از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و همواره باهم به کار می‌روند. ب) ویژگی‌های مخصوص که دسته‌ای از موجودات را از دسته دیگر جدا می‌کنند در فلسفه و منطق ذاتیات یک شیء هستند. ج) برخلاف علوم تجربی در فلسفه اجزاء سازنده یک وجود هیچ‌گاه بررسی نمی‌شوند. د) اگر وجود و ماهیت مغایر نباشند گزاره‌های «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» معنای یکسان ندارند. ه) فرق بین وجود و ماهیت پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا می‌باشد. و) فلسفه توماس آکوئیناس بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد می‌باشد.	۱/۵												
۲	گزینه مناسب را انتخاب کنید. الف) قدم اول فهم رابطه هستی و چیستی کدام است؟ ۱) اصل واقعیت ۲) اصل مغایرت ب) ماهیت کدام امور را از هم متفاوت می‌کند؟ ۱) همه موجودات ۲) دسته‌ای از موجودات ج) کدام مورد در مورد رابطه وجود و ماهیت درست است؟ ۱) دو جزء از یک موجودند ۲) دو مفهوم از یک چیزند د) کدام حمل شایع صناعی است؟ ۱) انسان حیوان است ۲) انسان نویسنده است	۱												
۳	جدول زیر را کامل کنید. <table><tr><td>حمل نیازمند به دلیل</td><td>حمل بی‌نیاز از دلیل</td></tr><tr><td>الف) مثل</td><td>ب) مثل</td></tr></table> <table><tr><td>نتیجه آشنایی فلاسفه غرب با ابن‌سینا و ابن‌رشد</td><td>نتیجه بحث مغایرت وجود و ماهیت در اندیشه ابن‌سینا</td></tr><tr><td>ج)</td><td>د)</td></tr></table>	حمل نیازمند به دلیل	حمل بی‌نیاز از دلیل	الف) مثل	ب) مثل	نتیجه آشنایی فلاسفه غرب با ابن‌سینا و ابن‌رشد	نتیجه بحث مغایرت وجود و ماهیت در اندیشه ابن‌سینا	ج)	د)	۱				
حمل نیازمند به دلیل	حمل بی‌نیاز از دلیل													
الف) مثل	ب) مثل													
نتیجه آشنایی فلاسفه غرب با ابن‌سینا و ابن‌رشد	نتیجه بحث مغایرت وجود و ماهیت در اندیشه ابن‌سینا													
ج)	د)													
۴	هر یک از موارد ستون (A) با یکی از موارد ستون (B) ارتباط دارد، آن را مشخص کنید. <table><tr><td>ستون (A)</td><td>ستون (B)</td></tr><tr><td>الف) رابطه وجود و ماهیت در ذهن</td><td>۱- عینیت</td></tr><tr><td>ب) ابن‌سینا</td><td>۲- مغایرت</td></tr><tr><td>ج) رابطه وجود و ماهیت در واقعیت</td><td>۳- مثلث سه زاویه است.</td></tr><tr><td>د) حمل اولی ذاتی</td><td>۴- توجه خاص به بحث تفاوت وجود و ماهیت</td></tr><tr><td></td><td>۵- مثلث شکل است.</td></tr></table>	ستون (A)	ستون (B)	الف) رابطه وجود و ماهیت در ذهن	۱- عینیت	ب) ابن‌سینا	۲- مغایرت	ج) رابطه وجود و ماهیت در واقعیت	۳- مثلث سه زاویه است.	د) حمل اولی ذاتی	۴- توجه خاص به بحث تفاوت وجود و ماهیت		۵- مثلث شکل است.	۱
ستون (A)	ستون (B)													
الف) رابطه وجود و ماهیت در ذهن	۱- عینیت													
ب) ابن‌سینا	۲- مغایرت													
ج) رابطه وجود و ماهیت در واقعیت	۳- مثلث سه زاویه است.													
د) حمل اولی ذاتی	۴- توجه خاص به بحث تفاوت وجود و ماهیت													
	۵- مثلث شکل است.													
۵	جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید. الف) اینکه می‌توانیم به اشیاء پیرامون خود علم پیدا کنیم ذیل اصل مطرح می‌شود. ب) کسی که به امری اشاره می‌کند، این اشاره نشان می‌دهد که او به آن امر پی برده است. ج) فیلسوف بزرگ مسلمان که در مسئله نسبت بین وجود و ماهیت راه فارابی را ادامه داد بود. د) بین مفهوم انسان به عنوان یکی از چیستی‌ها با مفهوم وجود برقرار نیست. ه) به علت توجه خاص ابن‌سینا، بحث مغایرت وجود و ماهیت، مقدمه قرار گرفت. و) توماس آکوئیناس پایه‌گذار بود.	۱/۵												
«ادامه سؤالات در صفحه دوم»														

باسمه تعالی

امتحان ۱: درس اول		سؤالات شبیه ساز نهایی		مهر و ماه
رشته: ادبیات و علوم انسانی / علوم و معارف اسلامی	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۱۰۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: فلسفه (۲)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحه: ۲	

ردیف	سؤالات	صفحه ۲ از ۲	نمره
۶	به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید. برای شناخت نسبت میان دو مفهوم وجود و ماهیت چند قدم نیاز است؟	۰/۵	
۷	اصل واقعیت چیست؟	۰/۵	
۸	انسان در هر چیزی که مشاهده می کند چند جنبه مشاهده می کند؟	۰/۵	
۹	اینکه هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند به کدام معنا نیست؟	۰/۵	
۱۰	از نگاه فلسفی و علوم تجربی اشیاء چگونه بررسی می شوند؟	۰/۵	
۱۱	حیوان و ناطق اجزاء کدام جنبه انسان هستند؟	۰/۵	
۱۲	کدام فیلسوف اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد؟	۰/۵	
۱۳	مکتب فلسفی تومسیم تا چه زمانی در جریان بود؟	۰/۵	
۱۴	به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید. ذاتیات در منطق و فلسفه کدامند و چه نقشی در شناخت اشیاء دارند؟ توضیح دهید.	۲	
۱۵	تفاوت دیدگاه علوم تجربی و فلسفه در بررسی یک شیء واحد را توضیح دهید.	۲	
۱۶	از طریق حمل بی نیاز از دلیل و نیازمند به دلیل ثابت کنید وجود و ماهیت در ذهن مغایرند.	۳	
۱۷	چه رابطه ای بین ابن سینا و ابن رشد و توماس آکوئیناس و ارسطو وجود دارد؟ کامل شرح دهید.	۲	
۱۸	اینکه در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم چیستی آن ها را می شناسیم و هم از هستی شان خبر داریم چه چیزی را نشان می دهند؟	۱	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید	

پاسخنامه تشریحی



مهروماه

(ج) عینیت (۰/۲۵)

نکته: وقتی می‌گوییم وجود و ماهیت اجزاء سازنده یک چیز نیستند، یعنی عین هم هستند دو جنبه آن چیزند مثل دو روی یک سکه.

(د) مثلث شکل است. (۰/۲۵)

نکته: حمل اولی ذاتی همان حمل بی‌نیاز از دلیل است. شکل بودن چون برای مثلث دلیل غیر خواهد پس ذاتی مثلث است و حمل آن به مثلث اولی ذاتی است.

۵ الف) واقعیت (واقعیت مستقل در ذهن) (۰/۲۵) / ب) وجود (۰/۲۵) / ج) ابن سینا (۰/۲۵) / د) رابطه ذاتی (۰/۲۵) / ه) طرح مباحث جدید (۰/۲۵) / و) مکتب فلسفی تومیسیم (۰/۲۵)

۶ چهار قدم (۰/۵)

۷ ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم. (۰/۵)

۸ دو جنبه (وجود و ماهیت) (۰/۵)

۹ به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء یک چیزند. (۰/۵)

۱۰ فلسفی: واحد (۰/۲۵) / علوم تجربی: مرکب (۰/۲۵)

۱۱ اجزاء تعریفی (مفهومی) (۰/۵)

۱۲ توماس آکوئیناس (۰/۵)

۱۳ این مکتب هنوز هم به نام توماس آکوئیناس در جریان است. (۰/۵)

۱۴ شناخت یعنی آگاهی از چستی اشیا. (۰/۵) چستی اشیا یعنی اینکه چه ویژگی‌های مخصوصی وجود دارد که آن‌ها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. (۰/۵) این ویژگی‌های مخصوص در منطق و فلسفه را ذاتیات یک شیء می‌گویند. (۰/۵) بنابراین ماهیت و چستی هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است. (۰/۵)

۱۵ اینکه هستی و چستی دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء یک موجودند که با هم ترکیب شده یا جمع شده‌اند، آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند. (۰/۵)

از نگاه علم شیمی (به عنوان یک علم تجربی) آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می‌آوریم. (۰/۵) اما از نگاه فلسفی، آب موجودی واحد است که انسان دو معنا و دو مفهوم مختلف چستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از یک موجود به دست آورده است؛ یعنی در خارج دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم. (۰/۵) به عبارت دیگر آب و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند. (۰/۵)

۱۶ در عبارت «انسان حیوان ناطق است» انسان به وسیله حیوان ناطق تعریف شده است یعنی حیوان و ناطق از اجزای تعریفی انسان هستند و چستی او را تشکیل می‌دهند (۰/۵) و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند یعنی ذات انسان چیزی جز همان حیوان ناطق نیست. (۰/۵) به همین جهت این دو مفهوم از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای حیوان ناطق به کار می‌رود. (۰/۵)

چون حیوان ناطق همان حقیقت و ذات انسان است حمل حیوان ناطق بر انسان به دلیل نیاز ندارد. (۰/۵) اما رابطه دو مفهوم وجود و انسان این‌گونه نیست. برای اینکه مفهوم وجود را به مفهوم انسان حمل کنیم نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم انسان موجود است. (۰/۵) اگر وجود و ماهیت مغایر نباشند نباید بین این حمل تفاوتی وجود داشته باشد در حالی که تفاوت وجود دارد یکی نیازمند به دلیل است و دیگری بی‌نیاز از دلیل. (۰/۵)

مشاوره: دانش‌آموزان عزیز! در تمام الگوهای سؤال، فقط نوشتن قسمتی که پیش از بازم آورده‌ام، واجب است؛ یعنی اگر در امتحان نهایی، با این سؤال مواجه شدید، نوشتن همین مقداری که پیش از بازم آورده‌ام کافی است. با توضیح اضافه، فقط روی اعصاب مصحح، رژه می‌روید! پس به هنگام رجوع به پاسخنامه، علاوه بر اینکه در پی یاد گرفتن پاسخ درست هستید، به نحوه درست پاسخ‌نویسی و مقدار پاسخ هم توجه کنید تا در امتحان نهایی در حد نیاز بنویسید نه بیشتر و نه کمتر. مطالبی که در پاسخنامه بعد از بازم در کادرهای نکته، حواستون باشه، توجه و درسنامه آمده‌اند، یا جنبه آموزشی دارند یا مشاوره‌ای. طبیعی است که نیازی به نوشتن آن‌ها در امتحان نهایی ندارید.

پاسخ امتحان شماره ۱

۱ الف) نادرست (۰/۲۵): اینکه دو مفهوم هستی و چستی از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند درست است، اما اینکه همواره با هم به کار می‌روند درست نیست، زیرا این مفاهیم معمولاً با هم به کار می‌روند.

حواستون باشه: کلاً یادت باشه قیدها در کتاب فلسفه دوازدهم بسیار بسیار بسیار مهم هستند، حتی بعضی وقت‌ها بیشتر از مطالب اصلی.

(ب) درست (۰/۲۵)

نکته: طبق متن کتاب درسی این جمله درست است اما ذاتیات در منطق و فلسفه صرفاً ویژگی‌های مخصوص نیستند، بلکه می‌توانند ویژگی‌های مشترک هم باشند؛ مثلاً شکل، هم ذاتی مثلث است هم ذاتی مربع.

(ج) نادرست (۰/۲۵): اینکه فلسفه دیدگاه کل‌نگر دارد و امور را واحد بررسی می‌کند درست است، اما این به این معنی نیست که اجزاء سازنده یک شیء هیچ‌گاه در فلسفه بررسی نمی‌شوند. (د) درست (۰/۲۵) / ه) درست (۰/۲۵) / و) نادرست (۰/۲۵): فلسفه توماس آکوئیناس بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد می‌باشد.

۲ الف) گزینه ۱: اولین قدم برای شناخت و فهم رابطه هستی و چستی شناخت هستی و اصل واقعیت است. (۰/۲۵) / ب) گزینه ۲: ماهیت همه موجودات را از هم جدا نمی‌کند مثلاً دو کتاب در ماهیت هم مشترک‌اند چون چستی هر دوی آن‌ها کتاب است پس ماهیت دسته‌ای از موجودات را از هم جدا می‌کند. (ج) گزینه ۲: وجود و ماهیت دو جنبه از یک چیزند. یعنی دو مفهوم که از شناخت و مشاهده یک شیء در ذهن انتزاع می‌شوند. (۰/۲۵) / د) گزینه ۲: حمل شایع صناعی حملی است که در آن محمول برای موضوع دلیل دارد و ذاتی نیست، مثل انسان نویسنده است. (۰/۲۵)

۳ الف) مثلث دارای زاویه ۱۸۰ درجه است. (یا هر مثال دیگری که نیازمند به دلیل باشد). (ب) مثلث یک شکل سه ضلعی است. (یا هر مثال دیگری که بی‌نیاز از دلیل باشد). (ج) آشنایی مجدد فیلسوفان غرب با ارسطو (۰/۲۵) / د) برهان وجوب و امکان در اثبات وجود خدا (۰/۲۵)

۴ الف) مغایرت (۰/۲۵)

نکته: مغایرت به معنای یک چیز نبودن و متفاوت بودن است که در مقابل آن عینیت است که به معنای یک چیز بودن است.

(ب) توجه خاص به بحث تفاوت وجود و ماهیت (۰/۲۵)

نکته: معلول این توجه خاص ابن سینا این بود که بحث مغایرت وجود و ماهیت در ذهن مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت.

ج) گزینه ۲ (۰/۲۵)

نکته: اگر یک قضیه امتناعی باشد متناقض آن وجوبی است و برعکس. در اینجا چون مثلث پنج ضلعی است امتناعی است، پس متناقض آن وجوبی است و امتناعی نیست و خدا موجود است چون وجوبی است متناقضش امتناعی است.

د) گزینه ۲ (۰/۲۵)

نکته: امر ممکنی که وجود ندارد در واقع ممتنع الوجود است و ممتنع الوجود کفّه وجودش بر عدمش سنگین تر است.

۳ الف) ممکن الوجود بالذات (ممتنع الوجود بالغير) (۰/۵)

ب) ممکن الوجود بالذات (ممتنع الوجود بالغير) (۰/۵)

نکته: تقسیم بندی شبانه روز به ۲۴ ساعت امری اعتباری است، ممکن بود تقسیم بندی جور دیگری انجام می شد و شبانه روز ۶۰، ۲۵ یا هر عدد دیگری بود. بنابراین ساعت ۲۵ شبانه روز ذاتاً ممکن است هر چند الآن ممتنع بالغير است.

۴ الف) حمل ذاتی بر ذات حتماً وجوبی یا ضروری است. (۰/۲۵)



ب) درخت سبز است. (۰/۲۵)

ج) انسانی که حیوان نباشد در آمازون زندگی می کند. (۰/۲۵)

نکته: اولاً چون امتناعی است باید قضیه باشد نه مفهوم پس مورد «د» نادرست است، ثانیاً انسانی که حیوان نباشد متناقض است چون انسان حیوان است.

د) انسان چهارانگشتی مؤنث (۰/۲۵)

۵ الف) ضروری (۰/۲۵)

ب) امکانی (۰/۲۵)

نکته: اگر قضیه ای وجوبی باشد متناقضات آن امتناعی است و برعکس. **مثال:** مثلث شکل است. (وجوبی) ↔ مثلث شکل نیست. (امتناعی)

ج) ترازو (۰/۲۵) - تساوی (تعادل) (۰/۲۵)

نکته: حالت همه ماهیت ها را می توان به ترازو تشبیه کرد، واجب الوجود ترازویی است که کفّه وجود آن سنگین تر است. - ممکن الوجود ترازویی است که دو کفّه آن در حالت تعادل قرار دارند. - ممتنع الوجود ترازویی است که کفّه عدم آن سنگین تر است.

د) امتناعی (۰/۲۵)

حواستون باشه: اگه بنویسی ممتنع غلطه، چون ممتنع وصف یک مفهومه نه قضیه.

ه) وجوبی (۰/۲۵)

نکته: چون خود قضیه امتناعی است (چون مجموع زاوایای مثلث دو قائمه یا ۱۸۰ درجه است نه سه قائمه یا ۲۷۰ درجه) متناقض آن وجوبی است.

۱۷ یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد. (۰/۵) او همچون ابن سینا این نظریه را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد. (۰/۵) او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد، دیگر فیلسوف مسلمان بود. (۰/۵) همین امر فرصتی فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند. (۰/۵)

۱۸ این گزاره گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می شود و قضیه فلسفی نیست (۰/۵) اما یک تبیین فلسفی دارد که فارابی و ابن سینا این تبیین فلسفی را ارائه کرده اند. (۰/۵)

پاسخ امتحان شماره ۲

۱ الف) نادرست (۰/۲۵)؛ چه آن روز که دانشمندان تصورات محدودتری از موجودات طبیعی داشتند و چه امروز که دانسته اند طبیعت به این گستردگی است. بسیاری از مسئله های اساسی و بنیادین وجود دارند که همچنان ثابت مانده اند و اندیشمندان و متفکران درباره آن ها بحث و گفت و گو می کنند.

حواستون باشه: قبلاً هم گفتیم باز هم می گم بعداً هم می گم که قیدها توو کتاب فلسفه خیلی مهمن حتی از بعضی از مطالب اصلی هم مهم تر.

ب) نادرست (۰/۲۵)؛ این سؤال چون مربوط به اصل هستی است، پس یک سؤال فلسفی است.

نکته: پنج سؤالی که در ابتدای درس بیان شده اند همگی دو ویژگی دارند: ۱) فلسفی اند. ۲) با تغییر علوم تجربی و پیشرفت، آن ها ثابت مانده اند.

ج) نادرست (۰/۲۵)؛ امکان نداشتن دو معنی دارد یکی از معانی آن محال بودن است یعنی اتفاق افتادن آن تناقض ایجاد می کند که به آن ممتنع می گوئیم. گلابی پرنده موجود است و زمین مثلث است، تناقض ندارند بلکه نمی توانند واقع شوند به خاطر محدودیت های قوانین طبیعت، پس ممکن هستند.

نکته: قضایای محال و ممتنع همواره به وجود آمدنشان مستلزم تناقض است.

د) درست (۰/۲۵)

نکته: ضروری بودن عام تر از ذاتی بودن است؛ یعنی هر حمل ذاتی، ضروری هست اما هر حمل ضروری لزوماً ذاتی نیست.

ه) نادرست (۰/۲۵)؛ اینکه یک چیز در عین اینکه سیاه است سفید هم باشد محال است در واقع سیاه سفید محال است اما سیاه و سفید محال و ممتنع نیست.

و) درست (۰/۲۵)

نکته: هر چیزی که موجود است، واجب الوجود است، یعنی بودنش ضروری است که موجود است. اگر این ضرورت از ناحیه خودش باشد واجب الوجود بالذات و اگر از ناحیه علتش باشد واجب الوجود بالغير است.

۲ الف) گزینه ۲ (۰/۲۵)

نکته: واجب الوجود قطعاً باید موجود باشد چه بالذات باشد چه بالغير.

ب) گزینه ۲ (۰/۲۵)

نکته: حمل ضروری یا وجوبی اعم از حمل ذاتی بر ذات است؛ بنابراین ممکن است حملی ضروری باشد اما ذاتی نباشد، مثل مثلث سه زاویه است.

حواستون باشه: سه زاویه داشتن برای مثلث ذاتی نیست چون نیازمند دلیله، دلیلش هم سه ضلع داشتن مثلثه.



خلاصه کیسولی

فلفه ۲

- جمع‌بندی به سبک cloze و tick3
- برای شب امتحان و تسلط بر متن
- بیان تمام جملات و پاراگراف‌های
- سؤال خیز و مهم کتاب درسی



مهرو ماه



هومان

مشاوره: یعنی میشه کسی امتحان نهایی فلسفه داشته باشه و ندونه که متن کتاب درسی خیلی مهمه و باید مو به مو بلد باشه!؟ cloze! سبک جدید مرور متنه که اولین بار اینجا می بینیم. قسمت های مهم هر درس عین متن کتاب درسی اینجا هست. متن رو بخون و جاهای خالی رو پر کن، با پاسخنامه چک کن، اگه درست بود تیک (✓) بزن و اگه غلط بود ضربدر (✗) بزن. این کار رو برای کل کتاب دوازدهم سه (۱) (۲) (۳) بار انجام بده. اینجوری سه بار کل کتاب دوازدهم رو مرور کردی. حالا وقتشه اونایی که بیشتر از یک ضربدر (✗) دارن رو مرور کنی که به همه متن مسلط بشی. بزن بریم!

درسنامه

درس اول

کودک با استفاده از کلمه (۱) یا (۲) نشان می دهد که به (۳) حیوانات پی برده است و می داند که آن ها (۴) اما از (۵) آن ها آگاه نیست. او می خواهد حیوانات را (۶) و از چيستی شان آگاه شود، یعنی می خواهد بداند چه ویژگی های (۷) دارند که آن ها را از (۸) موجودات متفاوت و متمایز می کند. این ویژگی های (۹) را در (۱۰) و (۱۱)، ذاتیات یک شیء هم می گویند. به عبارت دیگر (۱۲) و چيستی هر شیء بیانگر (۱۳) آن شیء است. پس می توانیم بگوییم: انسان در هر چیزی که مشاهده می کند (۱۴) جنبه مشاهده می کند؛ موجود بودن که وجه (۱۵) موجودات است و (۱۶) که وجه اختصاصی آن ها است.

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان وجود و ماهیت (۱۷) کرد و در (۱۸) میان این دو مفهوم نکاتی را مطرح نمود. (۱۹) فیلسوف دیگر مسلمان، راه فارابی را ادامه داد. از نظر ابن سینا دو معنا و دو مفهوم چيستی و هستی از (۲۰) به دست می آیند، یعنی در (۲۱) دو امر جداگانه داریم. هستی و چيستی دو (۲۲) مختلف از یک (۲۳) هستند. از نظر او حمل وجود بر انسان با حمل (۲۴) بر انسان کاملاً متفاوت است؛ بنابراین مفهوم انسان به عنوان یکی از (۲۵) با مفهوم وجود (۲۶) است و رابطه (۲۷) بین آن ها برقرار نیست. ابن فیلسوف بحث (۲۸) را پایه یکی از برهان های اثبات (۲۹) قرار داد و در این زمینه بر فیلسوف اروپایی که (۳۰) نام داشت، تأثیر گذاشت. او که در قرن (۳۱) زندگی می کرد، فلسفه (۳۲) را در اروپا پایه گذاری نمود که بیشتر متکی به آرای (۳۳) و تا حدودی متکی به آرای (۳۴) بود. همین امر فرصتی فراهم کرد که فلاسفه غرب با اندیشه های (۳۵) ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق مجدداً با (۳۶) ارتباط برقرار کنند. نظر مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا مورد توجه (۳۷) نیز قرار گرفت و زمینه ساز گفت وگوهای مهم فلسفی در (۳۸) نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

درس دوم

عدد چهار اگر زوج نباشد، عدد چهار نیست پس رابطه عدد چهار و زوج یک رابطه (۱) است. پس می توان گفت محمول زوج برای عدد چهار (۲) است. اما صورتی برای لباس (۳) نیست یعنی لباس هم می تواند این (۴) را بپذیرد و هم می تواند نپذیرد یعنی صورتی برای این موضوع حالت (۵) دارد. بر همین اساس می توان نتیجه گرفت که رابطه وجود با موضوعات مختلف (۶) حالت است؛ مثلاً رابطه خاک با وجود (۷) خدا با وجود (۸) و عدد بی نهایت با وجود (۹) است. بنابراین هر کدام از موضوعات خاک، خدا و عدد بی نهایت به ترتیب (۱۰)، (۱۱) و (۱۲) نام دارند. سؤالی که مطرح می شود این است که چرا موضوعاتی که (۱۳) هستند در عین اینکه فقط (۱۴) وجود دارند اکنون موجودند؟ (۱۵) و (۱۶)، دو فیلسوف بزرگ اسلامی، به این سؤال پاسخ داده اند و گفته اند چون این موجودات در (۱۷) خود ممکن الوجود هستند، این رابطه امکانی به (۱۸) آن ها اجازه می دهد که اگر (۱۹) وجود آن ها فراهم شود، در (۲۰) تحقق یابند.

با این توضیح می‌توان حالت (۲۱) را به ترازویی تشبیه کرد که دو کفه آن در حالت (۲۲) قرار دارند و هیچ کفه‌ای بر کفه دیگر (۲۳) ندارد. زیرا عقلاً (۲۴) است که (۲۵) یک کفه بر کفه دیگر سنگینی کند. پس وقتی می‌گوییم رابطه یک موضوع با وجود (۲۶) است، منظور این است که هم می‌تواند باشد هم نباشد. ذات وی به‌گونه‌ای نیست که حتماً باشد. همچنین ذات وی به‌گونه‌ای نیست که حتماً نباشد. با بودن (۲۷) وجود برای آن (۲۸) می‌شود و آن موضوع (۲۹) می‌گردد. پس در حال حاضر همه اشیا که موجودند، (۳۰) هستند اما به واسطه (۳۱) نه به واسطه (۳۲) این‌ها (۳۳) هستند.

درس سوم

انسان از همان اوایل کودکی که زبان می‌گشاید، از (۱) و (۲) اشیاء پرسش می‌کند. این سؤالات با بزرگ‌تر شدن کودک (۳) و (۴) می‌شوند و تا پایان عمر ادامه دارند. این سؤالات اغلب مربوط به بحث علیت هستند. شاید نخستین مسئله‌ای که فکر بشر را به خود مشغول داشته و او را به تفکر وادار کرده، (۵) باشد. انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی کره زمین به دنبال (۶) بوده است. رابطه (۷) میان علت و معلول را رابطه علیت می‌گویند و کلمه (۸) بازتابی از درک همین رابطه در ذهن انسان‌ها است. این رابطه علیت با بقیه روابط فرق دارد و متفاوت است؛ زیرا در باقی روابط ابتدا (۹) فرض می‌شود سپس میان آن‌ها ارتباط برقرار می‌گردد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در زمینه رابطه علیت بین فیلسوفان بحث وجود دارد این است که منشأ پذیرش و درک رابطه علیت چیست یعنی منشأ باور عمومی به اصل علیت دقیقاً کجاست. دکارت به‌عنوان یک فیلسوف (۱۰) معتقد بود که این اصل بدون دخالت (۱۱) به‌دست می‌آید و جزء اصول (۱۲) است که انسان آن را به‌طور (۱۳) درک می‌کند. او البته توجه داشت که یافتن (۱۴) نیازمند تجربه است.

اما تجربه‌گرایان که هر چیزی را براساس (۱۵) و (۱۶) تحلیل می‌کنند، بر این باورند که انسان از طریق حس (۱۷) یا (۱۸) پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و رابطه (۱۹) میان علت و معلول را درمی‌یابد و از این طریق (۲۰) را بنا می‌نهد و درک می‌کند.

در این میان (۲۱) نظر خاصی نسبت به تجربه‌گرایان دارد. او می‌گوید رابطه (۲۲) میان علت و معلول یک موضوع (۲۳) نیست و آن را نمی‌توان از طریق مشاهده (۲۴) و (۲۵) به‌دست آورد. او می‌گوید بر اثر (۲۶) مشاهده دو حادثه (۲۷) در ذهن ما چنین منعکس می‌شود که یک رابطه (۲۸) میان آن‌ها برقرار است. او این انعکاس ذهنی را (۲۹) می‌نامد و می‌گوید چیزی جز یک (۳۰) ناشی از (۳۱) پدیده‌ها نیست.

اما فیلسوفان مسلمان این اصل را یک اصل (۳۲) می‌دانند و آن را پایه و اساس (۳۳) می‌دانند. آن‌ها معتقدند که این‌گونه نیست که انسان به‌طور (۳۴) با این قاعده آشنا بوده باشد. همین که ذهن انسان شکل گرفت، متوجه اصل (۳۵) می‌شود و براساس این اصل درمی‌یابد که پدیده‌ها (۳۶) به‌وجود نمی‌آیند. بنابراین با اینکه کشف (۳۷) از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد اما خود (۳۸) از این طریق به‌دست نمی‌آید.

این اصل علیت دو اصل دیگر نیز در کنار خود دارد؛ یکی اصل (۳۹) که همه انسان‌ها طبق همین اصل رفتار می‌کنند و با (۴۰) خود این حقیقت را قبول دارند. یکی از نتایج این اصل این است که انسان از هر چیزی انتظار آثار (۴۱) با آن را دارد. این اصل پشتوانه عقلی (۴۲) جهان است و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، (۴۳) خود را پیگیری می‌کنند.

لازمه و نتیجه این اصل (۴۴) و (۴۵) میان دسته‌های مختلف پدیده‌ها است. اما اصل بعدی که در کنار اصل علیت پذیرفته می‌شود، اصل (۴۶) است که طبق این اصل معلول با قطع نظر از علت (۴۷) دارد و با آمدن علت وجود معلول (۴۸) می‌یابد و (۴۹) می‌شود. لازمه و نتیجه این اصل (۵۰) و (۵۱) در نظام هستی است. بهتر است از خود اصل علیت غافل نشویم. با قبول این اصل به (۵۲) و (۵۳) اجزای جهان پی می‌بریم و در مواجهه با هر پدیده‌ای در پی (۵۴) آن برمی‌آییم. پس می‌توان لازمه و نتیجه اصل علیت را (۵۵) و (۵۶) میان هر شیء و منشأ آن دانست.

درس چهارم

از کلماتی که در گفت‌وگوهای روزمره همه (۱) کاربرد دارد، اتفاق است. برخی از فیلسوفان نظریاتی داده‌اند که می‌توان از آن‌ها این مفهوم را برداشت کرد. مثلاً (۲)، اندیشمند یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم‌ها هستند. او معتقد است که اتم ذره ریز (۳) و (۴) است. این‌ها در فضای (۵) پراکنده بوده و به شکلی (۶) حرکت می‌کردند و برخوردهایی با هم داشته‌اند. در این برخوردهای (۷)، ذراتی که (۸) و (۹) بوده‌اند گرد هم آمدند و (۱۰) را تشکیل دادند. شکل دیگری از اتفاق که در دوره‌های اخیر مطرح شده، برگرفته از گفته‌های برخی (۱۱) است که می‌گویند: از ابتدای پیدایش (۱۲) بر روی کره زمین، (۱۳) بی‌شماری پدید آمده‌اند که بیشتر آن‌ها به علت (۱۴) از بین رفته‌اند. در طول این زمان‌ها، تحولات بسیاری در (۱۵) این موجودات رخ داده که هیچ کدام از این تحولات متناسب و سازگار با (۱۶) نبوده و تمام آن موجودات از بین رفته‌اند. فقط آن دسته از جانداران که (۱۷) آن‌ها اتفاقاً سازگار با محیط بوده به (۱۸) ادامه داده‌اند، (۱۹) کرده‌اند و (۲۰) شده‌اند. همچنین برخی از دانشمندان احتمال می‌دهند که جهان کنونی ما بر اثر (۲۱) آغاز شده و به تدریج (۲۲) یافته است. این بیان باعث شده برخی تصور کنند که پیدایش این جهان، اتفاقی و (۲۳) بوده است.

فیلسوفان اقدامات مهمی انجام می‌دهند که یکی از آن‌ها دقت در (۲۴) و نقد و تصحیح یا (۲۵) آن‌ها است. ابن سینا در مهم‌ترین کتاب (۲۶) خود یعنی (۲۷) درباره اتفاق و مفاهیم دیگری از قبیل (۲۸) سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در این مورد (۲۹) نماید. این واژه چهار معنا دارد که در معنای اول به معنای انکار اصل (۳۰) است. البته فیلسوفی را سراغ نداریم که به طور (۳۱) و (۳۲) این معنا را پذیرفته باشند. در واقع فیلسوفان می‌گویند امکان ندارد که موجودی (۳۳) و بدون علت به وجود بیاید. برخی از (۳۴) که از (۳۵) آگاه نیستند، فکر می‌کنند که در برخی موارد در عین وجود (۳۶)، آن پدید نیامده است. و بر این اساس می‌پندارند که میان علت و معلول، رابطه (۳۸) وجود ندارد. وقتی از اجزای علت حرف می‌زنیم، بحث علت تامه و ناقصه به میان می‌آید. در مواردی که معلول از (۳۹) پدید می‌آید، هر یک از آن‌ها را علت ناقصه و (۴۰) را علت تامه می‌نامند.

اما معنای دوم اتفاق نیز از نظر بسیاری از فلاسفه از جمله (۴۱)، (۴۲) و (۴۳) از فیلسوفان اسلامی و برخی از فیلسوفان اروپایی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا قبول این معنا، نفی اصل (۴۴) را به دنبال دارد. آنان می‌گویند اگر کسی واقعاً این اصل را انکار کند، به هیچ کاری دست نخواهد زد. علاوه بر این نمی‌تواند (۴۵) موجود در طبیعت را تبیین کند. او حتی نمی‌تواند (۴۶) را به (۴۷) تشویق نماید. در حقیقت، انکار این اصل بی‌اعتباری (۴۸) و متناقض با یک (۴۹) است.

اما در مورد اتفاق به معنای سوم می‌توان گفت که این معنا، معمولاً نفی (۵۰) و (۵۱) را به دنبال دارد؛ زیرا (۵۲) بودن جهان بدین معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می‌دهد برای رسیدن به هدف و غایت (۵۳) و (۵۴) است. قبول این (۵۵) فقط با قبول (۵۶) و (۵۷) یعنی قبول (۵۸) امکان‌پذیر است.

در عین حال، فلاسفه نسبت به این معنای اتفاق نظرات متفاوتی ارائه کرده‌اند.

۱ دسته‌ای برای جهان علت نخستین را (۵۹) می‌کنند و معتقدند همه (۶۰) از ابتدا و در آینده در جهت یک (۶۱) از پیش تعیین شده قرار دارند. به عبارت دیگر این جهان به سوی (۶۲) در حرکت است و (۶۳) کامل‌تر می‌شود.

۲ اما دسته‌ای به خداوند باور ندارند و غایت‌مندی زنجیره حوادث را نیز انکار می‌کنند و حتی وجود (۶۴) را امری اتفاقی به حساب می‌آورند که (۶۵) نبوده است.

۳ اما دسته دیگر در عین انکار (۶۶) می‌خواهند برای (۶۷) و (۶۸)، (۶۹) و (۷۰) تعیین کنند که نظری خود متناقض است.

آخرین معنای اتفاق نیز به معنای (۷۱) است و با هیچ یک از (۷۲) و (۷۳) علیت مخالف نیست، بلکه مربوط به (۷۴) ما نسبت به (۷۵) است. بنابراین می‌تواند کاربرد درستی داشته باشد.

درس پنجم

در درس‌های گذشته به این نتیجه رسیدیم که موجودات (۱) و (۲) وجودشان از خودشان نیست و نیازمند (۳) هستند. به همین مناسبت بحث (۴) در فلسفه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طبق معمول در بحث‌های فلسفی از یونان باستان شروع می‌کنیم. فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و (۵) و (۶) در جامعه‌ای زندگی می‌کردند که مردم آن به (۷) اعتقاد داشتند و هرکدام را (۸) و یکی از (۹) می‌شمردند. مثلاً از نظر آنان زئوس خدای (۱۰) و (۱۱) و (۱۲) خدای (۱۳) و (۱۴) و (۱۵) و آرتemis خدای (۱۶) و (۱۷) بود. اعتقاد به این خدایان چنان محکم و ریشه‌دار بود که انکار آن‌ها، (۱۸) از جامعه یونان و گاه (۱۹) را به دنبال داشت.

فیلسوفی که در این فضا تصمیم گرفت با دقت (۲۰) بیشتری درباره خدا صحبت کند و به تدریج پندارها را اصلاح نماید (۲۱) بود. به همین دلیل تیلور او را ابداع‌کننده (۲۲) می‌داند. خدا در نزد این فیلسوف یک خدای (۲۳) با ویژگی‌های (۲۴) است که با (۲۵) یونان تفاوت دارد. از نظر او (۲۶) هدف‌دار است و براساس (۲۷) و برای (۲۸) صورت می‌گیرد. او توصیفی از (۲۹) ارائه می‌دهد که کاملاً بر توصیف خدا در (۳۰) منطبق است. در این توصیف بیان می‌کند که فقط با (۳۱) و (۳۲) می‌توان به او دست یافت و از او بهره‌مند شد. او در مواردی از خداوند به عنوان (۳۳) یاد می‌کند و توضیح می‌دهد که همه چیز در پرتو آن دارای (۳۴) می‌شود. این عنوان درواقع اشاره به (۳۵) خداوند دارد. علاوه بر این از خدا به عنوان (۳۶) این عالم نیز یاد می‌کند تا به انسان‌ها یادآوری کند که (۳۷) جهان از وجودی (۳۸) سرچشمه می‌گیرد. نگاه او از این جهت به خدا در مرتبه (۳۹) جهان اشاره دارد که نام (۴۰) را بر آن می‌نهد. البته او گاهی از (۴۱) نام می‌برد اما این به معنای اعتقاد وی به چندخدایی نیست، بلکه برای (۴۲) است. همچنین او تلاش می‌کند (۴۳) را در مقامی قرار دهد که (۴۴) نمی‌تواند به آن جایگاه برسد. ارسطو فیلسوف بعدی است که از (۴۵) و (۴۶) قوی برخوردار بود. او تلاش کرد برهان‌هایی بر (۴۷) ارائه کند این استدلال‌ها اگرچه (۴۸) بودند از (۴۹) برخوردار بودند و زمینه قدم‌های بعدی را فراهم کردند.

یکی از این برهان‌ها (۵۰) نام دارد. ارسطو در این برهان می‌گوید: هر جا یک (۵۱) و (۵۲) وجود دارد (۵۳) و (۵۴) نیز هست که همان واقعیت الهی است. برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا (۵۵) نام دارد. او معتقد است وجود (۵۶) در عالم نیازمند (۵۷) است که خود آن (۵۸) نداشته باشد. ارسطو در این برهان از اصل (۵۹) استفاده می‌کند.

اما در دوره جدید اروپا با پیدایش دو جریان (۶۰) و (۶۱) در فلسفه، درباره خدا نیز دیدگاه‌های متفاوتی ظهور کرد که ریشه در این دو جریان داشتند.

دکارت، فیلسوف عقل‌گرای قرن هفدهم، در یکی از استدلال‌های خود برای اثبات خدا می‌گوید: من از حقیقتی (۶۲) و (۶۳) و توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده‌ایم تصویری دارم. این تصور نمی‌تواند از (۶۴) باشد زیرا (۶۵) پس این تصور از یک وجود (۶۶) است. دیوید هیوم، فیلسوف حس‌گرا و تجربه‌گرای قرن ۱۸ میلادی، ادعا می‌کند که دلایلی که (۶۷) باشند مردودند، زیرا (۶۸) اساساً ادراک مستقل از (۶۹) و (۷۰) ندارد. او معتقد است مهم‌ترین برهان فیلسوفان (۷۱)، برهان (۷۲) است که از (۷۳) گرفته شده است. اما این برهان توانایی اثبات یک وجود (۷۴) و (۷۵) و (۷۶) را ندارد و فقط می‌تواند ثابت کند یک (۷۷) و (۷۸) جهان را اداره می‌کند. البته فیلسوفان تجربه‌گرایی که (۷۹) بودند این برهان را معتبر می‌دانستند.

فیلسوف بعدی که در دوره جدید اروپا به موضوع خدا پرداخته، کانت است. البته او راهی متفاوت از فیلسوفان عقل‌گرای پیش از خود برای پذیرش خدا پیمود. او به جای اثبات وجود خدا، (۸۰) خدا را از طریق (۸۱) اثبات کرد. او معتقد است انسان دارای یک (۸۲) است که او را به دعوت می‌کند. مسئولیت‌پذیری تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب (۸۳) و (۸۴) بداند و این ویژگی باید صفت (۸۵) باشد که (۸۶) است و با مرگ بدن از بین نمی‌رود. البته این ساحت از انسان سعادتش در (۸۷) و (۸۸) است و برای سعادت (۸۹) به جهانی (۹۰) نیاز دارد و چنین جهانی مشروط به خدایی (۹۱) و (۹۲) است.

بعد از کانت به دلیل رشد تفکر (۹۳) و ظهور فیلسوفانی که جهان را صرفاً (۹۴) می‌دانستند پایه‌های اعتقاد به (۹۵) در جامعه اروپایی سست شد و بدین صورت معنا و مقصود زندگی در حد (۹۶) تنزل پیدا کرد و زندگی فاقد (۹۷) گردید و (۹۸) پدید آمد. در چنین فضایی دسته دیگری از فیلسوفان غربی راه دیگری را برای (۹۹) پیش گرفتند. مثلاً ویلیام جیمز معتقد بود که دلیل وجود خداوند عمدتاً در (۱۰۰) نهفته است و همچنین معتقد است لحظه‌هایی که حضور خدا را حس می‌کنیم زندگی را (۱۰۱) و (۱۰۲) می‌یابیم.

کرکگور فیلسوف دیگری است که ایمان را (۱۰۳) می‌داند و معتقد است که این نیازی به (۱۰۴) و (۱۰۵) ندارد. خدا (۱۰۶) را برمی‌گزید و به او ایمان می‌دهد و اگر کسی شایسته آن نباشد (۱۰۷) را سپری خواهد کرد.

بحران معناداری زندگی در قرن‌های ۲۰ و ۲۱ میلادی سبب شد فیلسوفانی ظهور کنند که در عین (۱۰۸)، به جای ذکر (۱۰۹) به رابطه میان (۱۱۰) و (۱۱۱) توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد بر خدایی که (۱۱۲) و (۱۱۳) باشد دچار (۱۱۴) و پوچی آزاردهنده‌ای خواهد شد. زندگی معنادار عبارت است از یک زندگی دارای (۱۱۵) که انسان را (۱۱۶) و سرشار از (۱۱۷) که (۱۱۸) به او می‌دهد.

آخرین فیلسوفی که در این باره، درباره آن صحبت می‌کنیم (۱۱۹) است.

پاسخنامه جمع‌بندی به سبک Cloze و tick 3

درس اول

۱ ۲ ۳	۲۰. یک موجود	۱ ۲ ۳	۱. این
۱ ۲ ۳	۲۱. خارج	۱ ۲ ۳	۲. آن
۱ ۲ ۳	۲۲. مفهوم	۱ ۲ ۳	۳. وجود
۱ ۲ ۳	۲۳. چیز	۱ ۲ ۳	۴. موجودند و هستند
۱ ۲ ۳	۲۴. حیوان ناطق	۱ ۲ ۳	۵. ماهیت و چیستی
۱ ۲ ۳	۲۵. چیستی‌ها	۱ ۲ ۳	۶. بشناسد
۱ ۲ ۳	۲۶. مغایر	۱ ۲ ۳	۷. مخصوص به خود
۱ ۲ ۳	۲۷. ذاتی	۱ ۲ ۳	۸. دسته دیگر
۱ ۲ ۳	۲۸. مغایرت وجود و ماهیت	۱ ۲ ۳	۹. مخصوص
۱ ۲ ۳	۲۹. وجود خدا	۱ ۲ ۳	۱۰. منطق
۱ ۲ ۳	۳۰. توماس آکوئیناس	۱ ۲ ۳	۱۱. فلسفه
۱ ۲ ۳	۳۱. ۱۳ میلادی	۱ ۲ ۳	۱۲. ماهیت و چیستی
۱ ۲ ۳	۳۲. تومیسیم	۱ ۲ ۳	۱۳. ذاتیات
۱ ۲ ۳	۳۳. ابن سینا	۱ ۲ ۳	۱۴. دو
۱ ۲ ۳	۳۴. ابن رشد	۱ ۲ ۳	۱۵. مشترک
۱ ۲ ۳	۳۵. فلسفی و عقلی	۱ ۲ ۳	۱۶. ماهیت
۱ ۲ ۳	۳۶. فلسفه ارسطویی	۱ ۲ ۳	۱۷. توجه ویژه
۱ ۲ ۳	۳۷. فلاسفه مسلمان	۱ ۲ ۳	۱۸. تمایز
۱ ۲ ۳	۳۸. جهان اسلام	۱ ۲ ۳	۱۹. ابن سینا

درس دوم

۱ ۲ ۳	۱۸. ذات (ماهیت)	۱ ۲ ۳	۱. ضروری
۱ ۲ ۳	۱۹. علت	۱ ۲ ۳	۲. ذاتی
۱ ۲ ۳	۲۰. خارج	۱ ۲ ۳	۳. ذاتی
۱ ۲ ۳	۲۱. ممکن‌الوجود	۱ ۲ ۳	۴. محمول (صفت)
۱ ۲ ۳	۲۲. تعادل	۱ ۲ ۳	۵. امکانی
۱ ۲ ۳	۲۳. ترجیح	۱ ۲ ۳	۶. سه حالت
۱ ۲ ۳	۲۴. محال	۱ ۲ ۳	۷. امکانی
۱ ۲ ۳	۲۵. خودبه‌خود	۱ ۲ ۳	۸. ضروری
۱ ۲ ۳	۲۶. امکانی	۱ ۲ ۳	۹. امتناعی
۱ ۲ ۳	۲۷. علت	۱ ۲ ۳	۱۰. ممکن‌الوجود
۱ ۲ ۳	۲۸. ضروری	۱ ۲ ۳	۱۱. واجب‌الوجود
۱ ۲ ۳	۲۹. واجب‌الوجود	۱ ۲ ۳	۱۲. ممتنع‌الوجود
۱ ۲ ۳	۳۰. واجب‌الوجود	۱ ۲ ۳	۱۳. ممکن‌الوجود
۱ ۲ ۳	۳۱. علتشان	۱ ۲ ۳	۱۴. امکان
۱ ۲ ۳	۳۲. خودشان (ذات و ماهیت‌شان)	۱ ۲ ۳	۱۵. قارابی
۱ ۲ ۳	۳۳. واجب‌الوجود بالغير	۱ ۲ ۳	۱۶. ابن سینا
		۱ ۲ ۳	۱۷. ذات و ماهیت

درس سوم

۱ ۲ ۳	۲۹. تداعی	۱ ۲ ۳	۱. چیستی
۱ ۲ ۳	۳۰. حالت روانی	۱ ۲ ۳	۲. چرایی
۱ ۲ ۳	۳۱. توالی و پشت سرهم آمدن	۱ ۲ ۳	۳. بیشتر
۱ ۲ ۳	۳۲. عقلی	۱ ۲ ۳	۴. عمیق‌تر
۱ ۲ ۳	۳۳. هر تجربه‌ای	۱ ۲ ۳	۵. چگونگی رابطه علت و معلول
۱ ۲ ۳	۳۴. مادرزادی	۱ ۲ ۳	۶. علت‌یابی
۱ ۲ ۳	۳۵. امتناع تناقض	۱ ۲ ۳	۷. وجودبخشی
۱ ۲ ۳	۳۶. خودبه‌خود	۱ ۲ ۳	۸. چرا
۱ ۲ ۳	۳۷. علل امور طبیعی	۱ ۲ ۳	۹. وجود دوطرف
۱ ۲ ۳	۳۸. علیت	۱ ۲ ۳	۱۰. عقل‌گرا
۱ ۲ ۳	۳۹. سنخیت	۱ ۲ ۳	۱۱. تجربه
۱ ۲ ۳	۴۰. عقل	۱ ۲ ۳	۱۲. اولیه
۱ ۲ ۳	۴۱. آثار متناسب	۱ ۲ ۳	۱۳. فطری
۱ ۲ ۳	۴۲. نظم دقیق	۱ ۲ ۳	۱۴. مصداق‌های علت و معلول
۱ ۲ ۳	۴۳. تحقیقات علمی	۱ ۲ ۳	۱۵. حس
۱ ۲ ۳	۴۴. نظم	۱ ۲ ۳	۱۶. تجربه
۱ ۲ ۳	۴۵. قانونمندی‌های معین	۱ ۲ ۳	۱۷. توالی
۱ ۲ ۳	۴۶. وجوب علی معلولی	۱ ۲ ۳	۱۸. هم‌زمانی
۱ ۲ ۳	۴۷. امکان ذاتی	۱ ۲ ۳	۱۹. ضروری
۱ ۲ ۳	۴۸. ضرورت	۱ ۲ ۳	۲۰. علیت
۱ ۲ ۳	۴۹. موجود	۱ ۲ ۳	۲۱. هیوم
۱ ۲ ۳	۵۰. تخلف‌ناپذیری	۱ ۲ ۳	۲۲. ضروری
۱ ۲ ۳	۵۱. حتمیت	۱ ۲ ۳	۲۳. حسی
۱ ۲ ۳	۵۲. ارتباط	۱ ۲ ۳	۲۴. حسی
۱ ۲ ۳	۵۳. پیوستگی	۱ ۲ ۳	۲۵. تجربه
۱ ۲ ۳	۵۴. کشف منشأ و عامل پیدایش	۱ ۲ ۳	۲۶. تکرار
۱ ۲ ۳	۵۵. ارتباط	۱ ۲ ۳	۲۷. متوالی
۱ ۲ ۳	۵۶. پیوستگی	۱ ۲ ۳	۲۸. علیت

درس چهارم

۱ ۲ ۳	۱۰. عناصر اصلی عالم طبیعت	۱ ۲ ۳	۱. اقوام و ملل
۱ ۲ ۳	۱۱. دانشمندان زیست‌شناس	۱ ۲ ۳	۲. دموکریتوس
۱ ۲ ۳	۱۲. موجود زنده	۱ ۲ ۳	۳. تجزیه‌ناپذیر
۱ ۲ ۳	۱۳. جانداران	۱ ۲ ۳	۴. غیر قابل تقسیم
۱ ۲ ۳	۱۴. ناسازگاری با محیط زندگی	۱ ۲ ۳	۵. نامتناهی
۱ ۲ ۳	۱۵. ساختمان بدنی	۱ ۲ ۳	۶. سرگردان
۱ ۲ ۳	۱۶. محیط	۱ ۲ ۳	۷. اتفاقی
۱ ۲ ۳	۱۷. تغییرات بدنی	۱ ۲ ۳	۸. هم‌اندازه
۱ ۲ ۳	۱۸. حیات خود	۱ ۲ ۳	۹. هم‌شکل